

شیعیان عراق و فردای منطقه نگران و محتاط اما امیدوار

افکار سنجی شیعیان عراق
در مورد حوادث اخیر منطقه





نوع سند	گزارش
حوزه تخصصی	بین الملل
برنامه	افکار سنجی
عنوان	شیعیان عراق و فردای منطقه؛ نگران و محتاط اما امیدوار
نگارنده/نگارندگان	سید مرتضی محمودی، امیرحسین قلندری، محمد امین حضرتی
ناظر کیفی	-----
مشاور / مشاوران	سید محمد صادق امامیان
مرور گر / مرورگران	-----
موعد تحویل	۱۴۰۴/۰۶/۱۷
تاریخ انتشار	-----
مخاطب (کارفرما)	اندیشکده حکمرانی شریف

مالکیت فکری و حق تالیف	
فرد / موسسه	توضیح حق تالیف و مالکیت فکری
-----	-----
-----	-----

جملات کلیدی

- نتایج حاکی از آن است که شیعیان عراق با باور به افول نفوذ آمریکا و توسعه طلبی رژیم صهیونیستی، اصلی ترین تهدید علیه عراق را اقدامات غیرمستقیم اسرائیل (حمایت از گروه های تروریستی و دامن زدن به تنش های قومی-مذهبی با ۵۵٪) و سپس حمله مستقیم نظامی (۲۲٪) می دانند.
- آنان با وجود قرابت فرهنگی با ایران و قدردانی از کمک های گذشته تهران، به دلیل تجربه دو دهه بی ثباتی داخلی، عمدتاً (۴۱٪) خواستار اجتناب عراق از ورود به منازعات منطقه ای هستند تا از تهدیدات امنیتی و اقتصادی بیشتر جلوگیری شود.
- همچنین، اکثریت قاطع آنان اسرائیل را در دستیابی به اهدافش در جنگ کاملاً ناموفق می دانند.
- در سطح کلان، جامعه شیعه عراق شاهد تغییر موازنه قدرت جهانی به نفع قدرت های غیرغربی مانند چین و ایران و به زیان آمریکا است

کلمات کلیدی | عراق، روابط راهبردی، جنگ ایران و اسرائیل، حوادث منطقه

فهرست مطالب

۱. چکیده	۳
۲. مقدمه	۴
۳. روش‌شناسی	۷
۴. یافته‌های افکارسنجی	۹
۴,۱ چشم انداز ۵ کشور	۹
۴,۱,۱ ایران	۱۰
۴,۱,۲ عراق	۱۱
۴,۱,۳ ایالات متحده	۱۲
۴,۱,۴ چین	۱۳
۴,۱,۵ اسرائیل	۱۴
۴,۲ تهدید محتمل علیه عراق از سوی اسرائیل	۱۵
۴,۳ سطح مطلوب مداخله‌ی عراق در جنگ ایران و اسرائیل	۱۷
۴,۴ میزان موفقیت اسرائیل در جنگ اخیر	۱۹
۴,۵ پیش‌بینی وقوع جنگ در ۶ ماه آینده	۲۱
۴,۶ موضع درباره فلسطین	۲۳
۴,۷ ارزیابی عملیات «۷ اکتبر»	۲۵
۴,۸ موضع درباره بمب اتم	۲۷
۴,۹ آینده‌ی روابط ایران و عراق	۲۹
۴,۱۰ موضع درباره حمایت و سیاست‌های منطقه‌ای ایران	۳۱
۵ جمع‌بندی	۳۳

۱. چکیده

این گزارش به‌طور مختصر به مرور نتایج طرح افکار سنجی اندیشکده حکمرانی شریف در اربعین سال ۱۴۰۴ می‌پردازد. در این بررسی از ۱۷۵ نفر از مردم شیعه عراق، در خصوص چشم انداز سیاسی آینده منطقه، برداشت نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی و روابط ایران و عراق سؤالاتی پرسیده شده است. نتایج حاکی از آن است که شیعیان عراق با باور به افول نفوذ آمریکا و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی، اصلی‌ترین تهدید علیه عراق را اقدامات غیرمستقیم اسرائیل (حمایت از گروه‌های تروریستی و دامن‌زدن به تنش‌های قومی-مذهبی با ۵۵٪) و سپس حمله مستقیم نظامی (۲۲٪) می‌دانند. آنان با وجود قرابت فرهنگی با ایران و قدردانی از کمک‌های گذشته تهران، به دلیل تجربه دو دهه بی‌ثباتی داخلی، عمدتاً (۴۱٪) خواستار اجتناب عراق از ورود به منازعات منطقه‌ای هستند تا از تهدیدات امنیتی و اقتصادی بیشتر جلوگیری شود. همچنین، اکثریت قاطع آنان اسرائیل را در دستیابی به اهدافش در جنگ کاملاً ناموفق می‌دانند. در سطح کلان، جامعه شیعه عراق شاهد تغییر موازنه قدرت جهانی به نفع قدرت‌های غیرغربی مانند چین و ایران و به زیان آمریکا است. با وجود ضعف دیپلماسی عمومی ایران، اکثریت شیعیان عراق نگاهی مثبت به نقش منطقه‌ای ایران داشته و پس از عملیات‌های اخیر ایران، حمایتشان از تهران افزایش یافته است که بهره‌گیری هوشمندانه از این سرمایه اجتماعی از طریق دیپلماسی عمومی فعال برای ایران ضروری است.

۲. مقدمه

در جهانی که تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه با سرعتی نفس گیر پیش می‌روند، فهم ادراکات عمومی مردمان این منطقه، به‌ویژه در کشوری کلیدی مانند عراق، نه تنها یک ضرورت علمی که دریچه‌ای به سوی سیاست‌گذاری هوشمندانه است. در این چارچوب و پیش از انتشار این گزارش، اندیشکده حکمرانی شریف به منظور کمک به کسب دیدگاه صحیح و واقع‌بینانه از جانب سیاستگذاران و با بهره‌گیری از شبکه نخبگان بین‌المللی، اقدام به ارائه گزارشی با عنوان «جنگ دوازده روزه از لنز نخبگان عراقی» نمود و در آن به تبیین ابعاد مورد توجه نخبگان، اساتید دانشگاهی و رؤسای اتاق‌های فکر عراقی از جنگ اخیر ج.ا.ایران با رژیم صهیونیستی پرداخت که مهم‌ترین نکات مطرح در آن گزارش در سطور زیرین ذکر می‌گردد:

- به رغم محافظه‌کاری دولت عراق و کوشش جهت جلوگیری از وقوع منازعه منطقه‌ای و پرهیز جریانات سیاسی اهل سنت و کرد در محکومیت صریح حملات رژیم اسرائیل علیه ایران، جریانات سیاسی شیعه با عنایت به پیامدهای منطقه‌ای جنگ مذکور، دست به محکومیت علنی حملات رژیم صهیونیستی و ابراز حمایت از جمهوری اسلامی ایران زدند که با همراهی اکثریت جامعه شیعیان در پشتیبانی از موضع ایران توأم گردید و ایران به مثابه تنها دولتی بر ساخته شد که یارای ایستادگی در برابر تجاوزات تل‌آویو را دارد.
- با وجود تقویت مظاهر انسجام اجتماعی و اتحاد ملی متعاقب جنگ دوازده روزه و عدم تسلیم ایران در برابر خواسته‌های آمریکا و رژیم اسرائیل، روایت ایران از خویشتن در مورد تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی سعی در ترویج آن داشت، با شکست روبرو شد.
- صحنه سیاسی در دوران پس از جنگ دوازده روزه، از آزادی عمل و استقلال بیشتری از نفوذ قدرت‌های خارجی برخوردار خواهد بود و سیاست خارجی این کشور هم ضمن اتخاذ رویکرد «توسعه‌محور»، در صدد بهبود توان دیپلماسی عمومی عراق در سطح جهانی بر خواهد آمد.
- گروه‌های مقاومت عراق در دوران پسا طوفان الأقصى و متأثر از رویکرد رفتاری ایران در قبال حزب‌الله و احساس فریب از سوی تهران، به سمت اولویت دادن به منافع ملی در قیاس با منافع ایدئولوژیک حرکت می‌کنند. این باور ریشه در جنگ دوازده روزه نداشت بلکه منبعث از اولویت دادن ایران به منافع ملی خویش بر منافع سایر اضلاع محور مقاومت بود.

- شیعیان عراق و جریان‌ات منتسب به آن، نگرانی فراوانی در مورد حملات رژیم صهیونیستی به این کشور دارند. در این رابطه، رویکرد آمریکا مبتنی بر «تهدید و هشدار» و رویکرد دولت عراق بر «کنترل اختلافات میان ذینفعان خارجی» استوار بوده است و سیاستمداران اهل سنت و کرد هم در صدد بهره‌گیری حداکثری از محیط جاری جهت تغییر مسیر نظام سیاسی عراق هستند.
 - با توجه به نقض حاکمیت هوایی از سوی طرفین متخاصم در جنگ دوازده روزه، سرخوردگی نخبگان عراقی نسبت به ضعف بغداد در اعمال حاکمیت مؤثر و تداوم حضور یک دولت ضعیف بر مسند قدرت تشدید شد.
 - با توجه به عدم توان یا اراده سایر قدرت‌های منطقه‌ای نظیر عربستان و ترکیه جهت مقابله مؤثر با توسعه‌طلبی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، نخبگان عراقی دریافتند حضور و کنشگری ج.ا.ایران به مثابه یک قدرت منطقه‌ای تا حد زیادی جهت برقراری موازنه قوا ضروری خواهد بود.
 - به رغم پشتیبانی اکثریت جامعه نخبگانی عراق از رویکرد ج.ا.ایران در جنگ دوازده روزه، تهران همچنان جایگاه چندانی برای مناسبات نخبگانی با عراق قائل نیست در حالی که بسیاری از دانشگاه‌ها و اتاق‌های فکر غربی و عربی در صدد توسعه دیپلماسی نخبگانی با طرف‌های عراقی برآمده‌اند.
 - جمهوری اسلامی ایران به منظور تثبیت جایگاه منطقه‌ای خویش در دوران پس از جنگ دوازده روزه، می‌بایست علاوه بر کوشش جهت احیای اعتماد اضلاع محور مقاومت به تهران و ارتقای موقعیت داخلی و منطقه‌ای آنان و هم‌افزایی فزاینده با نیروهای مسلح عراق جهت تأمین امنیت مراکز حیاتی، در صدد تقویت جریان‌ات سیاسی شیعه در معادلات انتخاباتی و افزایش آگاهی آنان نسبت به پیامدهای توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی برآید.
- نوشتار جاری که محصول یک مطالعه پژوهشی در ایام اربعین ۱۴۰۴ هجری شمسی (سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی) می‌باشد، تلاشی است برای ثبت نبض افکار شیعیان عراقی در مواجهه با پرسش‌های بزرگ منطقه‌ای: از آینده توازن قدرت جهانی تا تهدیدات رژیم صهیونیستی و نقش ایران در معادلات منطقه. با بهره‌گیری از پرسشنامه‌های توزیع‌شده در مسیرهای زیارتی و فضای مجازی، این مطالعه در پی ترسیم تصویری روشن و بی‌واسطه از ذهنیت سیاسی این جامعه است. هدف نه تعمیم یافته‌ها به کل عراق، که گشودن پنجره‌ای به سوی درکی عمیق‌تر از دغدغه‌ها و امیدهای یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی منطقه، یعنی شیعیان عراق، است. از این رو، پژوهش حاضر را باید تلاشی دیگر از سوی اندیشکده حکمرانی شریف برای تبیین پیامدهای جنگ تحمیلی اخیر بر دیپلماسی عمومی کشور دانست.

هدف این بررسی، فراتر از جمع‌آوری داده، کاوش در لایه‌های عمیق‌تر ادراکات سیاسی است: چگونه شیعیان عراق آینده قدرت‌های بزرگ را می‌بینند؟ چه تهدیداتی را برای کشورشان محتمل‌تر می‌دانند؟ و مهم‌تر از همه، چگونه می‌توان از این شناخت برای تقویت دیپلماسی عمومی و همگرایی منطقه‌ای بهره برد؟ این پژوهش، با تمرکز بر صداها و واقعی مردم از زائران اربعین تا کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌خواهد به سیاست‌گذاران و پژوهشگران یادآوری کند که در پس هیاهوی منازعات، این ذهنیت‌های جمعی‌اند که مسیر آینده را شکل می‌دهند.

۳. روش‌شناسی

در این بررسی، از طریق پرسشنامه‌هایی که به صورت مجازی و حضوری طراحی و توزیع شده بودند، با جامعه آماری حدود ۱۷۵ نفری از شیعیان عراقی در بازه‌های سنی متنوع، تلاش داشتیم تا درک اولیه‌ای از ادراک سیاسی یک گروه خاص در جامعه عراقی داشته باشیم؛ بدون آنکه به کل جامعه عراق تعمیم دهیم. این نظرسنجی در چهارچوب طرح افکارسنجی اندیشکده حکمرانی شریف در ایام اربعین سال ۱۴۰۴ هجری قمری (مطابق با سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی) اجرا شد و بر روی شیعیان عرب‌زبان عراق تمرکز داشت، که عمدتاً از استان‌های مرکزی و جنوبی مانند بغداد، نجف، کربلا، بابل، ذی‌قار، بصره و قادسیه (دیوانیه) بودند. انتخاب جامعه هدف بر اساس دسترسی‌پذیری در مسیرهای زیارتی اربعین و شبکه‌های مجازی مرتبط با جوامع شیعی انجام گرفت و هدف اصلی، کاوش ادراکات سیاسی در خصوص تحولات منطقه‌ای، روابط ایران-عراق، تهدیدات اسرائیل و چشم‌انداز قدرت جهانی بود.

پرسشنامه شامل ۱۶ سؤال اصلی بود که ترکیبی از سؤالات بسته (با گزینه‌های تک‌انتخابی یا مقیاس‌دار) و چند سؤال باز برای جمع‌آوری اطلاعات دموگرافیک (مانند جنسیت، سال تولد، وضعیت تأهل، استان محل سکونت و قومیت) را پوشش می‌داد. سؤالات کلیدی بر محورهایی مانند پیگیری اخبار منطقه‌ای، چشم‌انداز قدرت پنج کشور (ایران، عراق، ایالات متحده، چین و اسرائیل) در افق ۲۰۴۰ میلادی، شکل محتمل تهدید اسرائیل علیه عراق، سطح مناسب دخالت عراق در منازعه احتمالی ایران-اسرائیل، میزان موفقیت اسرائیل در جنگ غزه، احتمال وقوع جنگ در شش ماه آینده، موضع نسبت به مسئله فلسطین/اسرائیل، ارزیابی عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (طوفان الاقصی)، دیدگاه درباره ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران، آینده روابط ایران-عراق و ارزیابی حمایت‌های منطقه‌ای ایران تمرکز داشتند. پرسشنامه به زبان عربی محلی (عراقی) تدوین شد تا با گویش و فرهنگ پاسخ‌دهندگان همخوانی داشته باشد و از پلتفرم پرسلاین برای توزیع مجازی و جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید.

روش جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی است. بخش حضوری در مسیرهای زیارتی اربعین (مانند مرزها و موكب‌ها) با توزیع مستقیم پرسشنامه‌ها انجام شد و بخش مجازی از طریق شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های تلگرامی و واتساپی مرتبط با جوامع شیعی عراقی منتشر گردید. برای اطمینان از تنوع، نمونه‌گیری هدفمند بر اساس توزیع سنی (از ۱۸ تا ۷۰ سال)، جنسیت (حدود ۸۰٪ مرد و ۲۰٪ زن) و استان‌های محل سکونت اعمال شد، اما به دلیل محدودیت‌های دسترسی، نمونه کاملاً تصادفی نبود و بیشتر به صورت در دسترس و گلوله‌برفی پیش رفت. درنهایت داده‌های خام در فرمت اکسل ذخیره و پردازش شدند.

برای تحلیل، از روش‌های آماری توصیفی استفاده شد: توزیع فراوانی (با نمودارهای ستونی) برای بررسی الگوهای پاسخ‌دهی و نمودارهای سانکی^۱ برای نمایش جریان و روابط میان متغیرها (مانند ارتباط بین پیگیری اخبار و چشم‌انداز قدرت کشورها، یا تأثیر ادراک تهدید بر ترجیحات رفتاری). هیچ تحلیل استنباطی پیشرفته‌ای (مانند آزمون‌های آماری) انجام نشد، زیرا هدف، نه تعمیم‌پذیری آماری بلکه ارائه تصویری مقدماتی و کیفی از ادراکات بود. محدودیت‌های روش‌شناسی شامل تمرکز بر شیعیان (بدون پوشش گسترده سایر گروه‌های قومی-مذهبی مانند سنی‌ها یا کردها)، احتمال بایاس خودانتخابی در پاسخ‌دهندگان مجازی (علی‌رغم اقداماتی در راستای انتخاب تصادفی نمونه‌ها)، و تأثیر جو اربعین بر پاسخ‌ها (که ممکن است احساسات هویتی را تقویت کند) می‌شود. با این حال، این بررسی به عنوان پایه‌ای برای مطالعات عمیق‌تر عمل می‌کند و بر اهمیت دیپلماسی عمومی و افکارسنجی مداوم تأکید دارد.

¹ Sankey

۴. یافته‌های افکار سنجی

۴,۱ چشم انداز ۵ کشور

در این بخش به بررسی چشم انداز قدرت در ۲۰ سال آینده از نگاه مخاطبان خواهیم پرداخت. نمودار توزیع فراوانی به شرح زیر است:



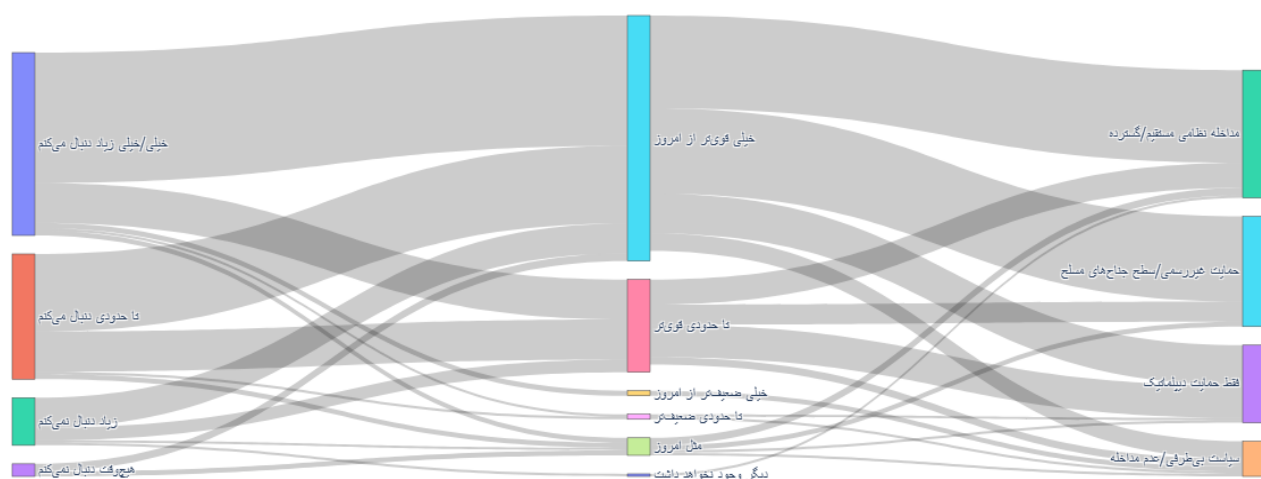
تصویر ۱: توزیع فراوانی چشم انداز قدرت

۴,۱,۱ ایران

در افق ۲۰۴۰، پاسخ‌دهندگان ایران را به‌روشنی در مسیر تقویت قدرت می‌بینند. نگاه غالب این است که جایگاه ایران از امروز بالاتر خواهد بود و گزینه‌های «ثابت می‌ماند» یا «تضعیف می‌شود» سهم اندکی دارند. در مقایسه با سایر کشورها، این خوش‌بینی درباره ایران پررنگ‌تر از عراق «رو به بهبود اما محتاطانه» است، با چین هم‌جهت اما برجسته‌تر دیده می‌شود، با ارزیابی از ایالات متحده تضاد دارد و در نقطه مقابل تصویر نزولی اسرائیل قرار می‌گیرد. بنابراین، ایران و چین در قطب «تقویت»، اسرائیل در قطب «افول»، و عراق و آمریکا میان این دو قطب جای می‌گیرند.

جریان پاسخ‌ها نشان می‌دهد هرچه پیگیری اخبار منطقه جدی‌تر باشد، احتمال قرار گرفتن در سبد «ایران قوی‌تر» بیشتر است؛ و این انتظار قدرت‌یابی مستقیماً به ترجیح رفتاری درباره نقش عراق ترجمه می‌شود. وقتی ایران در ذهن پاسخ‌دهنده قوی‌تر می‌شود، تمایل به کنش فعال چه به‌صورت مداخله مستقیم، چه به شکل حمایت غیررسمی افزایش می‌یابد؛ در مقابل، هرچا آینده ایران «ثابت» یا «رو به کاهش» دیده می‌شود، کفه دیپلماسی و بی‌طرفی سنگین‌تر می‌گردد. پیام سیاستی روشن است: برداشت از توازن قدرت ایران، جهت‌نمای انتخاب ابزار مداخله برای عراق است؛ تصویر ایران نیرومندتر به سوی گزینه‌های فعال می‌رود و تصویر مبهم یا کاهشی، احتیاط و اتکای بیشتر به ابزارهای غیرنظامی را تقویت می‌کند.

جریان: پیگیری اخبار منطقه → چشم‌انداز ایران → سطح مداخله مطلوب عراق



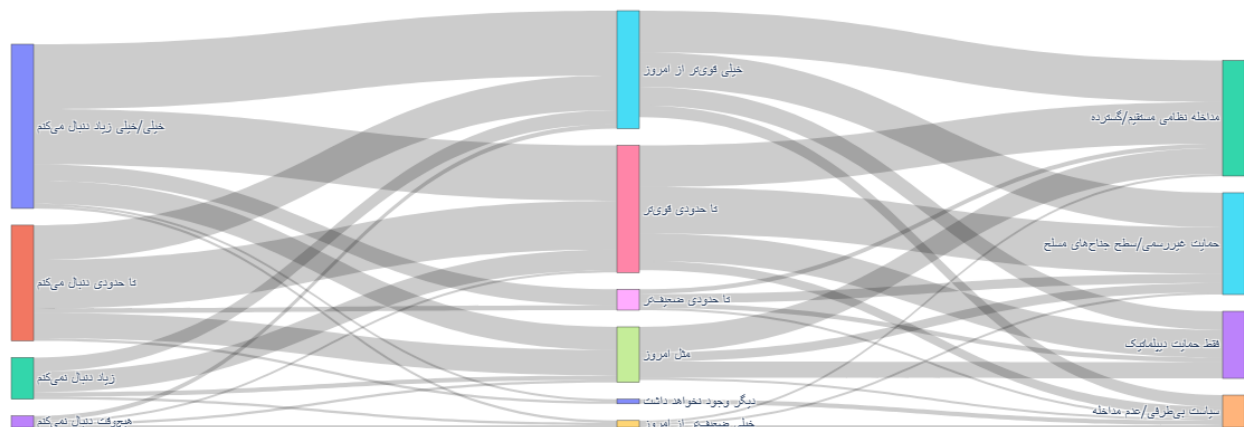
تصویر ۲: نمودار جریان ایران

۴,۱,۲ عراق

در افق ۲۰۴۰، چشم‌انداز پاسخ‌دهندگان نسبت به عراق رو به بهبود است. تصویر غالب، عراق قوی‌تر از امروز است و «ثابت می‌ماند» در رتبه دوم قرار می‌گیرد؛ برداشت‌های «تضعیف» در حاشیه است. در مقایسه با سایر کشورها، این خوش‌بینی از اسرائیل به مراتب بیشتر و از ایران و چین ملایم‌تر است؛ یعنی عراق در نیمه‌ی روشن طیف قرار می‌گیرد، اما با لحنی محتاطانه‌تر از دو قدرتی که بیشترین انتظارات صعودی را گرفته‌اند. این آمار نشان می‌دهد درک عمومی از مسیر عراق، «تقویت تدریجی» است نه جهش ناگهانی؛ لذا انتظار می‌رود سیاست‌های اقتصادی و نهادی پایدار، که ثمرات تجمعی دارند، با این ذهنیت هم‌خوان‌تر باشند.

جریان پاسخ‌ها نشان می‌دهد هرچه افراد اخبار منطقه را جدی‌تر دنبال می‌کنند، احتمال قرار گرفتن‌شان در سبد «عراق قوی‌تر» بیشتر است و همین برداشت خوش‌بینانه به ترجیح «کنش فعال‌تر» در قبال بحران ایران اسرائیل ترجمه می‌شود چه به صورت مداخله‌ی مستقیم، چه در قالب حمایت غیررسمی. در مقابل، وقتی آینده‌ی عراق «ثابت» یا «رو به کاهش» دیده می‌شود، کفهی دیپلماسی و بی‌طرفی سنگین‌تر می‌گردد. بنابراین هر زمان که سیاست‌گذار می‌خواهد پشتوانه اجتماعی بیشتری برای کنش فعال فراهم کند، باید هم‌زمان تصویری باورپذیر از مسیر تقویت داخلی عراق ارائه کند و آن را با روایت‌های خبری و شواهد ملموس تقویت نماید؛ در شرایطی که چنین تصویری شکل نگرفته یا شکننده است، انتظار جامعه بیشتر به سمت ابزارهای غیرنظامی و مدیریت ریسک خواهد رفت.

جریان: پیگیری اخبار منطقه → چشم‌انداز عراق → سطح مداخله مطلوب عراق



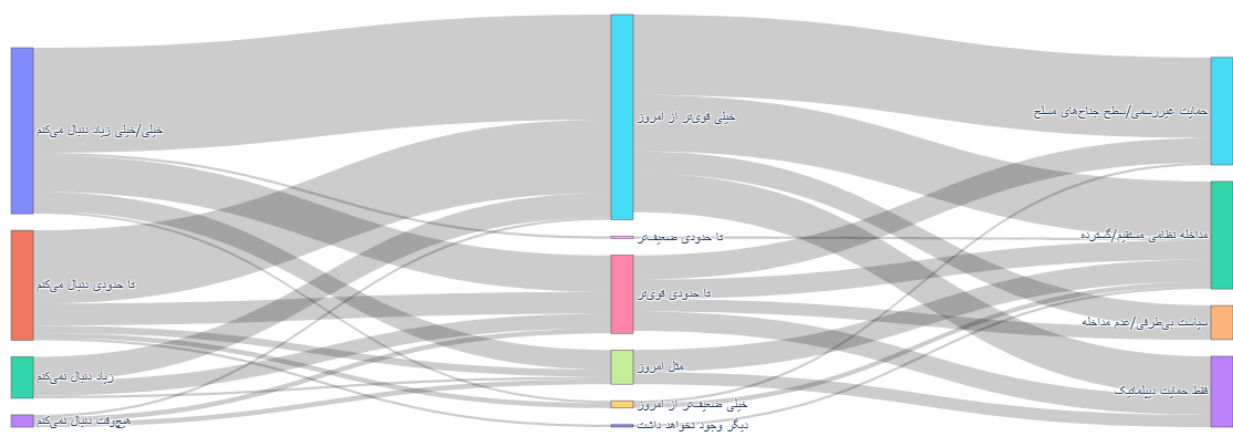
تصویر ۳: نمودار جریان عراق

۴,۱,۴ چین

در نگاه پاسخ‌دهندگان، چین تا افق ۲۰۴۰ از برندگان قطعی توازن قدرت خواهد بود. توزیع پاسخ‌ها بر «قوی‌تر شدن» متمرکز است و سهم «مثل امروز» یا «تضعیف» حاشیه‌ای می‌ماند؛ به بیان ساده، انتظار یک رشد ساختاری و پایدار شکل گرفته است. در نقشه مقایسه‌ای پنج کشور نیز چین کنار ایران در قطب «تقویت» می‌ایستد و در نقطه‌ی مقابل تصویر افولی اسرائیل قرار می‌گیرد؛ عراق با خوش‌بینی محتاطانه میان این دو قطب است و آمریکا با ارزیابی کمرمق‌تر از گذشته دیده می‌شود. برآیند سیاستی این برداشت این است که چین به‌عنوان موتور بیرونی رشد و فناوری در ذهن پاسخ‌دهندگان بازتعریف شده و سیاست‌هایی که بر پیوندهای اقتصادی، زنجیره‌های تأمین و انتقال فناوری با شرق تکیه کنند، با انتظارات جمعی سازگارترند.

جریان پاسخ‌ها نشان می‌دهد مستقل از میزان پیگیری خبر، خوش‌بینی به آینده‌ی چین پایدار است. این تصور مستقیماً به ترجیحات رفتاری درباره‌ی نقش عراق ترجمه می‌شود: وقتی چین «قوی‌تر» دیده می‌شود، تمایل به کنش فعال‌تر در قبال بحران ایران اسرائیل افزایش می‌یابد یا به‌صورت اقدام مستقیم، یا در قالب حمایت غیررسمی کم‌هزینه‌تر. در سناریوهای «مثل امروز» یا برداشت‌های محتاطانه‌تر، کفهی دیپلماسی و بی‌طرفی سنگین‌تر می‌شود. از این رو، روایت «جهت باد جهانی به‌سوی شرق» زمینه‌ی اجتماعی لازم را برای رویکردی فعال فراهم می‌کند؛ اگر هدف، مدیریت ریسک و پرهیز از درگیری است، باید این خوش‌بینی را به همکاری‌های اقتصادی و امنیت همکاری‌محور هدایت کرد تا به جای تصاعد تنش، به افزایش ظرفیت داخلی و هم‌افزایی منطقه‌ای منجر شود.

جریان: پیگیری اخبار منطقه → چشم‌انداز چین → سطح مداخله مطلوب عراق



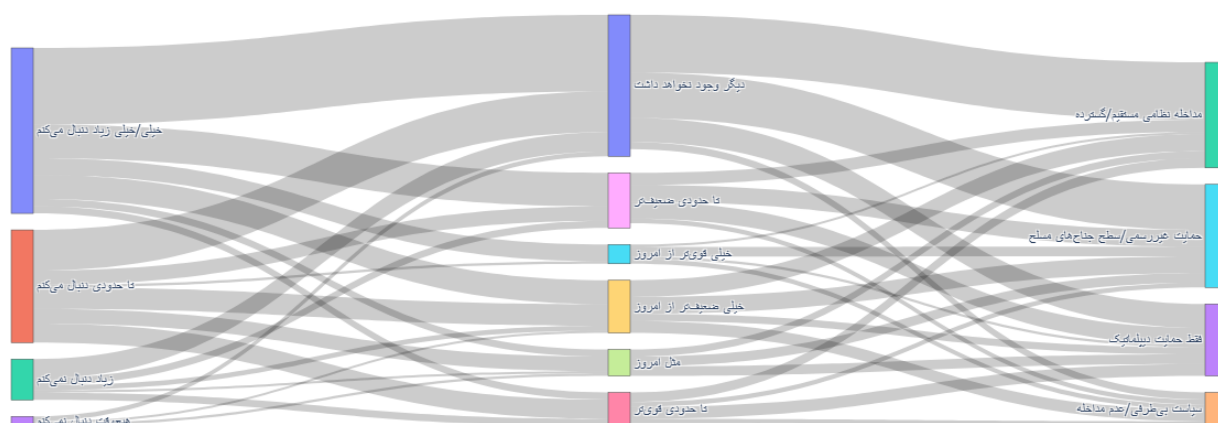
تصویر ۵: نمودار جریان چین

۴،۱،۵ اسرائیل

در نگاه پاسخ‌دهندگان، افق ۲۰۴۰ برای اسرائیل عمدتاً نزولی است. بخش بزرگی از نمونه نه فقط «تضعیف»، بلکه حتی «از میان رفتن» این بازیگر را محتمل می‌داند و سهم کسانی که «تقویت» را پیش‌بینی می‌کنند بسیار اندک است؛ «مثل امروز» هم جایگاه حاشیه‌ای دارد. در نقشه‌ی مقایسه‌ای پنج کشور، اسرائیل در قطب مقابل ایران و چین قرار می‌گیرد که هر دو با چشم‌انداز تقویت دیده شده‌اند؛ عراق با امیدی محتاطانه میان این دو قطب می‌ایستد و آمریکا نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر ارزیابی می‌شود. پیامی که از این تصویر برمی‌آید روشن است: در ذهن این جامعه پاسخ‌دهنده، وزن راهبردی اسرائیل در دهه‌ی پیش رو رو به کاهش است و این کاهش با سایر شواهد نگرشی پرسشنامه نیز هم‌خوان است.

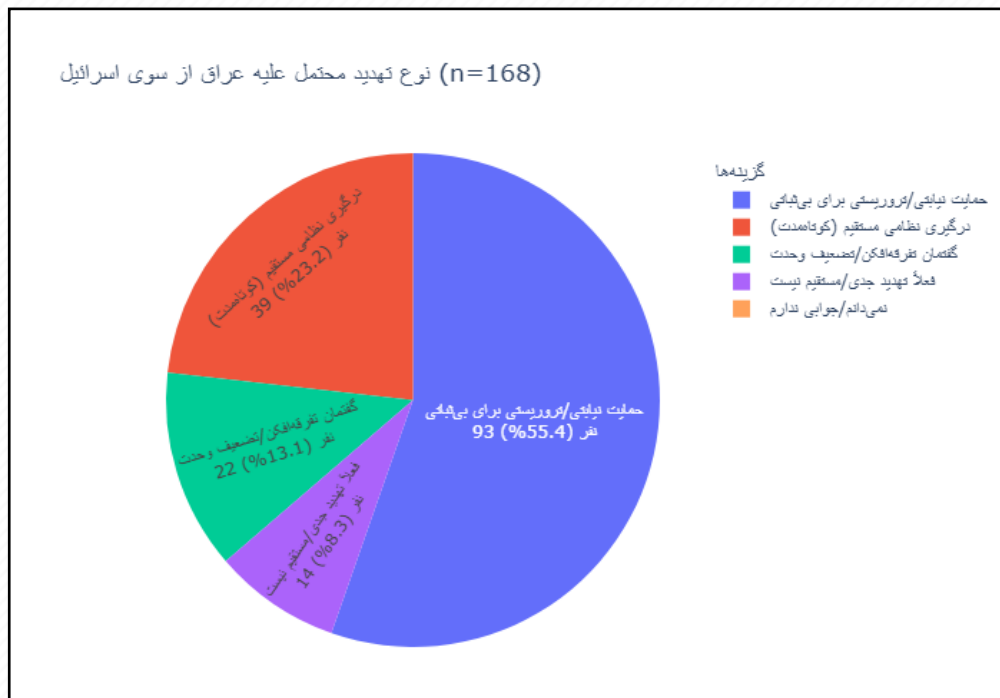
جریان پاسخ‌ها نشان می‌دهد هرچه پیگیری اخبار منطقه جدی‌تر باشد، برداشت منفی‌تری از آینده‌ی اسرائیل شکل می‌گیرد و همین تصور، ترجیحات رفتاری درباره‌ی نقش عراق را جابه‌جا می‌کند. وقتی اسرائیل «رو به ضعف» یا حتی «ناموجود در افق» دیده می‌شود، تمایل به رویکردهای فعال‌تر بالا می‌رود اغلب در قالب حمایت غیررسمی و شبکه‌ای، و در مواردی نیز با استقبال از کنش مستقیم. در مقابل، هر جا اسرائیل «مثل امروز» یا «قوی‌تر» تصور می‌شود، کفه‌ی دیپلماسی و بی‌طرفی سنگین‌تر است. از این منظر، نمودار یک پیام سیاستی مشخص دارد: اگر هدف، نگه‌داشتن پاسخ‌ها در مدار مدیریت‌پذیر تنش است، باید روایت‌های عمومی از مسیر آینده‌ی اسرائیل و پیامدهای امنیتی آن با دقت مدیریت شود؛ و اگر اتخاذ مواضع فعال‌تر مدنظر است، این مواضع زمانی با پذیرش اجتماعی بیشتری روبه‌رو می‌شوند که حس «افول طرف مقابل» در افکار عمومی تقویت شده باشد ترجیحاً به نفع قالب‌های کم‌هزینه‌تر و پرنعطف‌تر حمایت، نه لزوماً ورود مستقیم به درگیری.

جریان: پیگیری اخبار منطقه → چشم‌انداز اسرائیل → سطح مداخله مطلوب عراق



تصویر ۶: نمودار جریان اسرائیل

۴,۲ تهدید محتمل علیه عراق از سوی اسرائیل



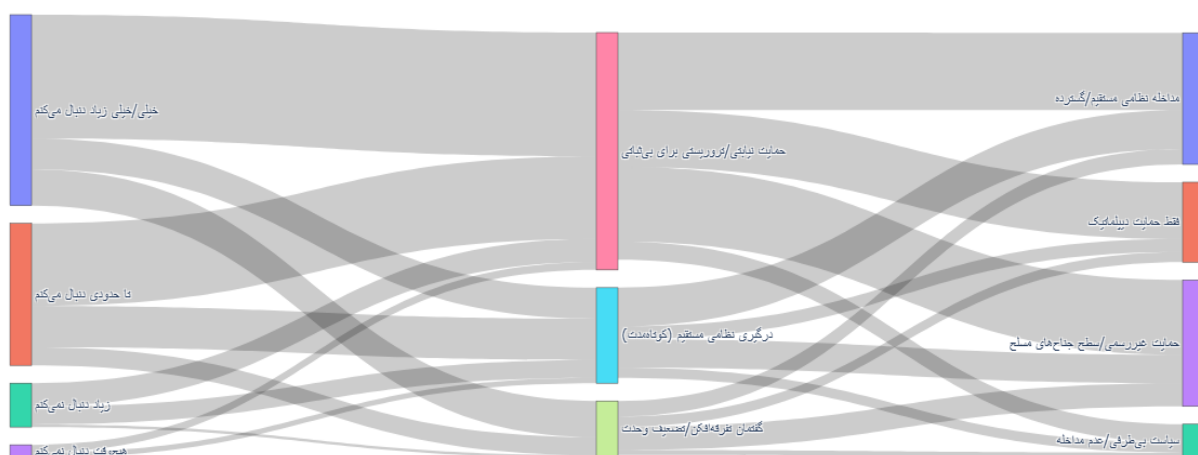
تصویر ۷: نمودار فراوانی تهدید محتمل

برداشت غالب از تهدید، «غیرمستقیم و ترکیبی» است؛ بیشتر پاسخ‌دهندگان سناریوی حمایت نیابتی/تروریستی برای بی‌ثبات‌سازی را محتمل‌تر از رویارویی کلاسیک می‌دانند و بخشی هم تهدید گفتمانی تفرقه‌افکن را برجسته می‌کنند. سهم «درگیری مستقیم در آینده نزدیک» هرچند قابل توجه است، اما به‌وضوح در رتبه دوم می‌ایستد. نبود پاسخ‌های مردد نیز نشان می‌دهد که ذهنیت عمومی درباره ماهیت تهدید روشن است. پیام سیاستی این تصویر ساده است: در کنار بازدارندگی متعارف، باید وزن بیشتری به امنیت داخلی، ضدتروریسم، کار اطلاعاتی و تاب‌آوری اجتماعی رسانه‌ای داد؛ زیرا از نگاه جامعه، خط مقدم تهدید بیش از آنکه در مرزهای کلاسیک باشد، در شبکه‌های نیابتی و میدان جنگ روایت‌هاست.

الگوی جریان‌ها نشان می‌دهد هرچه پیگیری خبر جدی‌تر باشد، تشخیص تهدید به سمت «نیابتی/شناختی» می‌لغزد و «درگیری مستقیم» وزن کمتری می‌گیرد. این ادراک سپس به این نسخه رفتاری ترجمه می‌شود که وقتی تهدید «مستقیم» دیده می‌شود، تمایل به مداخله‌ی مستقیم بیشتر است؛ اما وقتی تهدید «نیابتی» یا گفتمانی» فهم می‌شود، ترجیح به سمت حمایت غیررسمی، اقدام‌های شبکه‌ای و ابزارهای انعطاف‌پذیر می‌رود با این حال، در همه شاخه‌ها کفه‌ی «کنش فعال» بر «انفعال» می‌چربد. بنابراین جعبه‌ابزار سیاستی

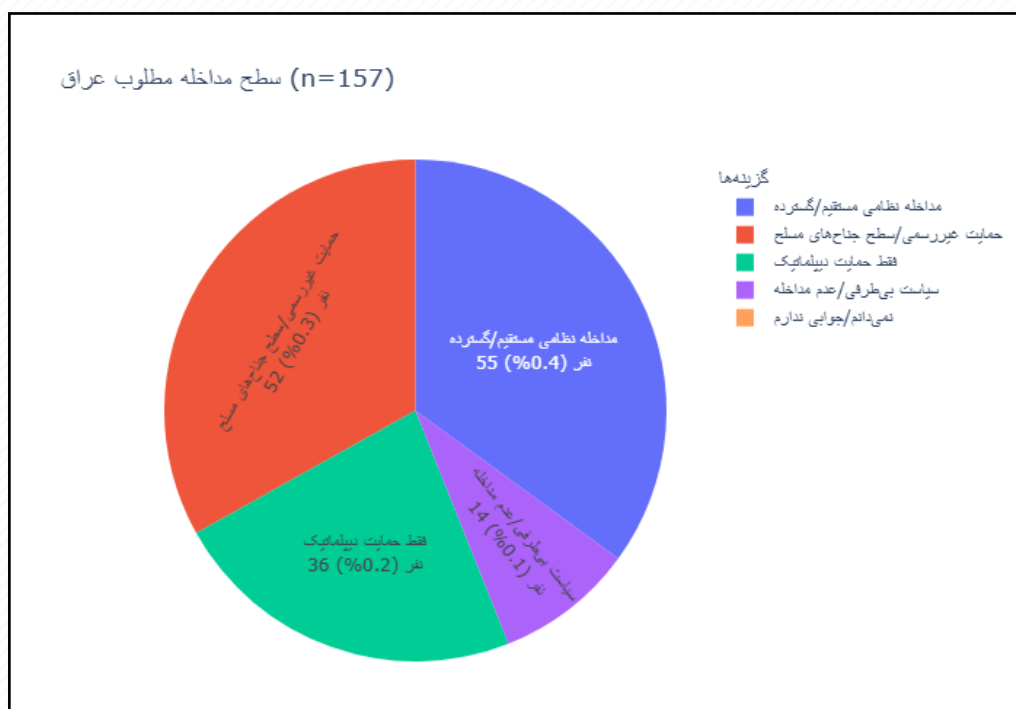
باید دو لایه هم‌زمان داشته باشد یک لایه‌ی بازدارندگی و پاسخ سریع برای سناریوهای مستقیم، و یک لایه‌ی عمیق برای جنگ ترکیبی: رصد مالی و مرزی، شبکه‌سازی امنیتی، اقتدار قضایی علیه سازمان‌های نیابتی، سواد رسانه‌ای و مدیریت قطبی‌سازی. این انطباق ابزار با نوع تهدید، هزینه‌ها را پایین می‌آورد و اثربخشی را بالا می‌برد.

جریان: پیگیری اخبار منطقه → نوع تهدید محتمل علیه عراق → سطح مداخله مطلوب عراق



تصویر ۸: نمودار جریان تهدید محتمل علیه عراق

۴,۳ سطح مطلوب مداخله‌ی عراق در جنگ ایران و اسرائیل

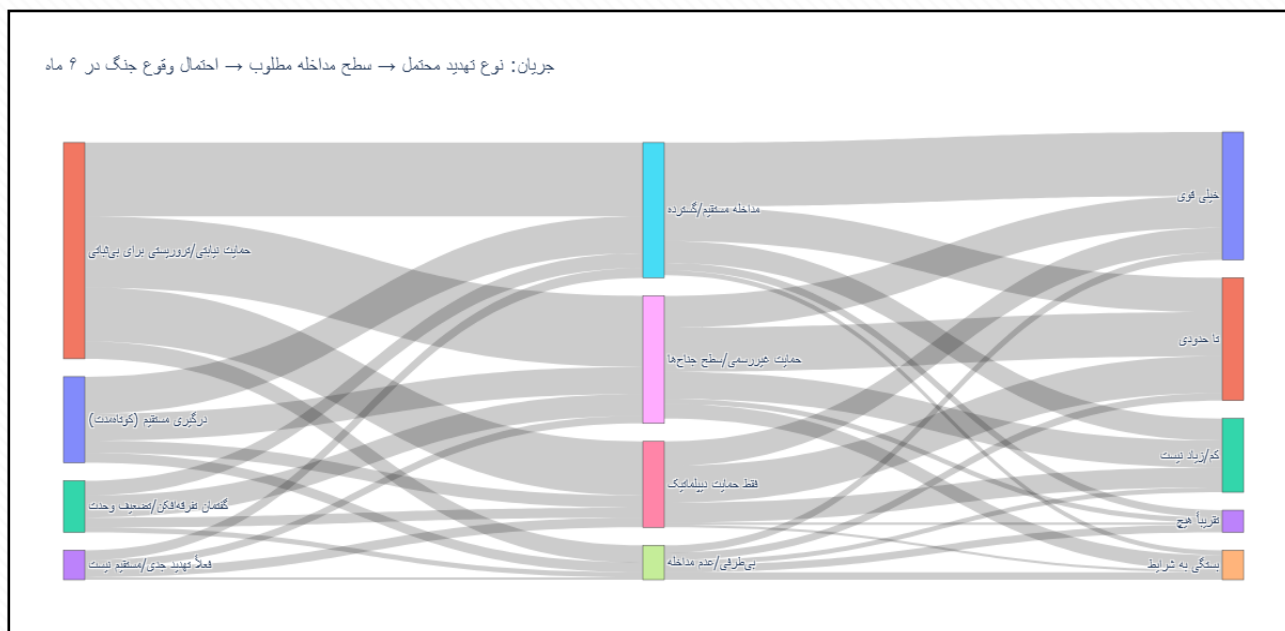


تصویر ۹: نمودار فراوانی مواجهه درست عراق در جنگ

جامعه به طور کلی «مداخله» را بر «بی‌طرفی» ترجیح می‌دهد. شکاف میان دو مسیر مداخله اقدام مستقیم و حمایت غیررسمی بسیار کم است و نشان می‌دهد هر دو به‌عنوان گزینه‌های معتبر و قابل اتکا دیده می‌شوند. در عین حال، یک اقلیت معنادار هم بر «فقط دیپلماسی» تأکید می‌کند؛ یعنی حتی در فضایی که تمایل به کنش فعال غالب است، نیاز به یک ریل دیپلماتیک دائماً روشن همچنان احساس می‌شود. از این جهت جعبه‌ابزار عراق باید چندحالتی باشد؛ ترکیبی از ظرفیت اقدام مستقیم، شبکه‌های حمایت غیررسمی و یک کانال دیپلماتیک فعال تا بتوان برحسب شرایط، هزینه و پیامد را تنظیم کرد.

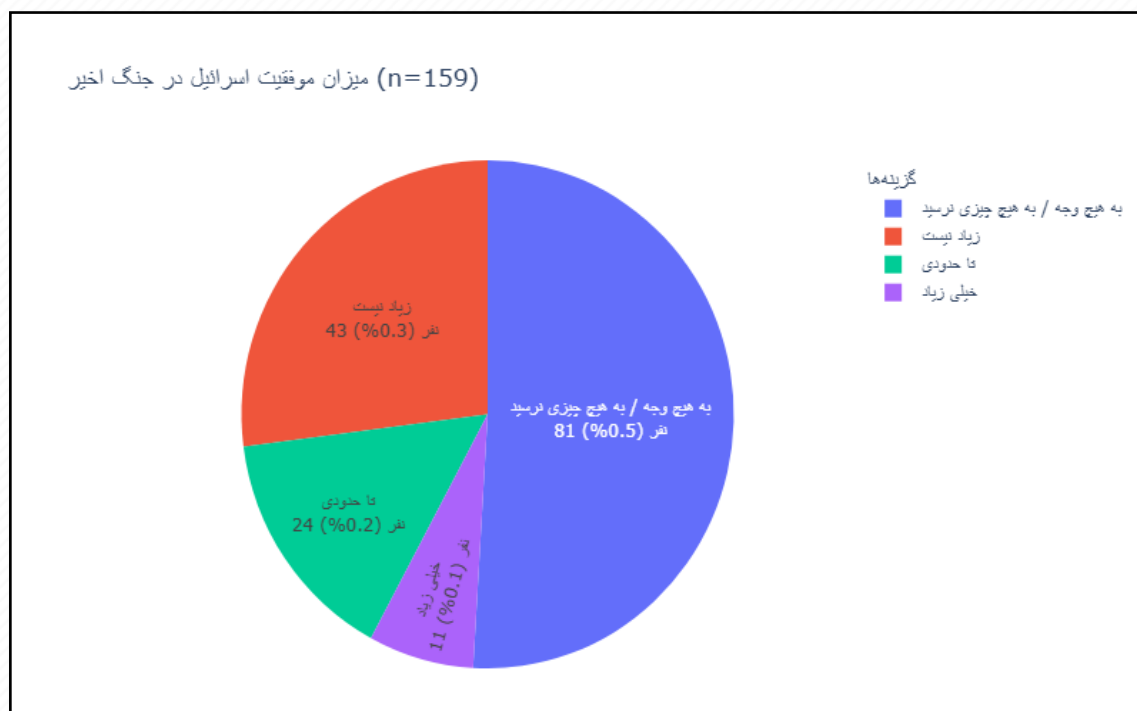
الگوی جریان‌ها نشان می‌دهد نوع تهدیدی که پاسخ‌دهندگان حس می‌کنند، «ترکیب مداخله» را تنظیم می‌کند: وقتی تهدید «رویارویی مستقیم» درک می‌شود، تمایل به مداخله‌ی مستقیم بیشتر می‌گردد و هر جا تهدید «نیابتی/گفتمانی» فهم می‌شود، کفه‌ی حمایت غیررسمی سنگین‌تر می‌شود. با این همه، در هر سه برداشت تهدید، کفه‌ی «کنش فعال» بر «انفعال» می‌چربد. در گام بعد، ادراک ریسک جنگ حتی میان طرفداران دیپلماسی بالاست؛ با این تفاوت که بخشی این ریسک را با گزینش مداخله‌ی سخت پاسخ می‌دهد و بخشی دیگر راه کم‌هزینه‌تری مثل دیپلماسی را برای مهار ریسک برمی‌گزیند. بنابراین، راهبرد پیشنهادی

باید دو لایه‌ی هم‌زمان داشته باشد یک لایه‌ی بازدارندگی و پاسخ سریع برای سناریوهای مستقیم و یک لایه‌ی عمیق برای جنگ ترکیبی (ضدتروریسم، رصد مالی و مرزی، شبکه‌سازی امنیتی، سواد رسانه‌ای و مدیریت قطبی‌سازی). کنار این دو، نگه‌داشتن ریل دیپلماسی و کانال‌های تنش‌زدایی ضروری است تا بتوان در صورت اوج‌گیری ریسک طی شش ماه آینده، با کمترین هزینه مسیر را تغییر داد.



تصویر ۱۰: نمودار جریان مواجهه درست عراق در جنگ

۴,۴ میزان موفقیت اسرائیل در جنگ اخیر



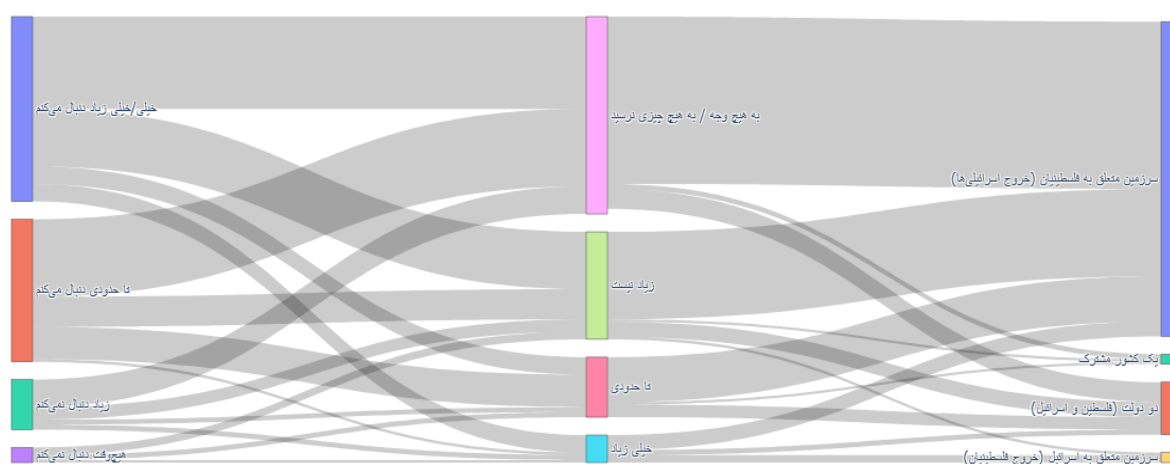
تصویر ۱۱: نمودار فراوانی موفقیت اسرائیل

برداشت عمومی از کارنامه اسرائیل، «ناکامی» است. گرانیگاه پاسخ‌ها بر این باور می‌ایستد که اسرائیل یا به چیزی نرسیده یا دستاوردها ناچیز بوده و ارزیابی‌های «موفقیت‌مند» در اقلیت می‌ماند. این قضاوت با تصویر بلندمدت‌تر همین پرسشنامه هم‌خوان است؛ جایی که آینده اسرائیل نزولی دیده می‌شود و راه‌حل سرزمینی نیز عمدتاً به سود فلسطین ترجیح داده می‌شود. در این فضا، روایت‌های رسمی و رسانه‌ای که بر «موفقیت اسرائیل» بنا شوند، با ذهنیت غالب جامعه هم‌صدا نیستند و احتمالاً بازتاب اجتماعی محدودی می‌یابند. در مقابل، چارچوب‌بندی‌های مبتنی بر «بازدارندگی مؤثر»، «فرسایش توان طرف مقابل» و «تقویت موقعیت فلسطین» بر زمینه‌ای آماده سوار می‌شوند و ظرفیت اقناع بیشتری دارند.

الگوی جریان‌ها نشان می‌دهد در همه سطوح پیگیری خبر از خیلی پیگیر تا کم‌پیگیر داوری غالب «ناکامی اسرائیل» است و هرچه مصرف خبر بالاتر می‌رود، سهم «کاملاً ناکام» پررنگ‌تر می‌شود. این داوری سپس به موضع سرزمینی ترجمه می‌شود: مسیر اصلی از «ناکامی» به انتخاب «سرزمین برای فلسطینیان» می‌ریزد و حتی میان کسانی که برای اسرائیل موفقیت قائل‌اند، گرایش غالب همچنان به سود فلسطین است و گزینه‌های سازشی‌تر (دو دولت یا کشور مشترک) در حاشیه می‌مانند. اگر هدف، همسویی با برداشت افکار

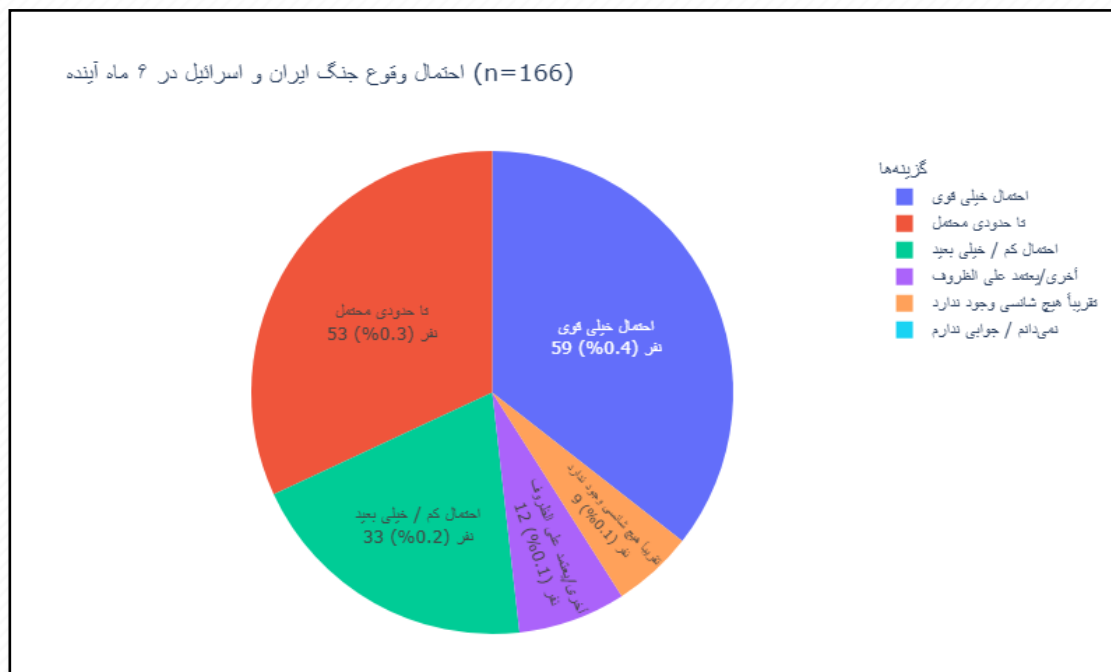
عمومی و کاهش شکاف ادراکی است، زبان سیاست باید بر محور حمایت از حقوق فلسطین، مهارگری در برابر اسرائیل و پیوند زدن این دو به منافع ملی عراق تنظیم شود و اگر هدف، حفظ کانال‌های دیپلماتیک است، این کانال‌ها باید در چارچوب روایتی پیش بروند که «ناکامی اسرائیل» را مفروض می‌گیرد و بر مدیریت پیامدها، نه توجیه دستاوردهای او، تمرکز می‌کند.

جریان: پیگیری اخبار منطقه → موفقیت اسرائیل در جنگ → موضع سرزمینی فلسطین/اسرائیل



تصویر ۱۲: نمودار جریان میزان موفقیت اسرائیل

۴,۵ پیش‌بینی وقوع جنگ در ۶ ماه آینده

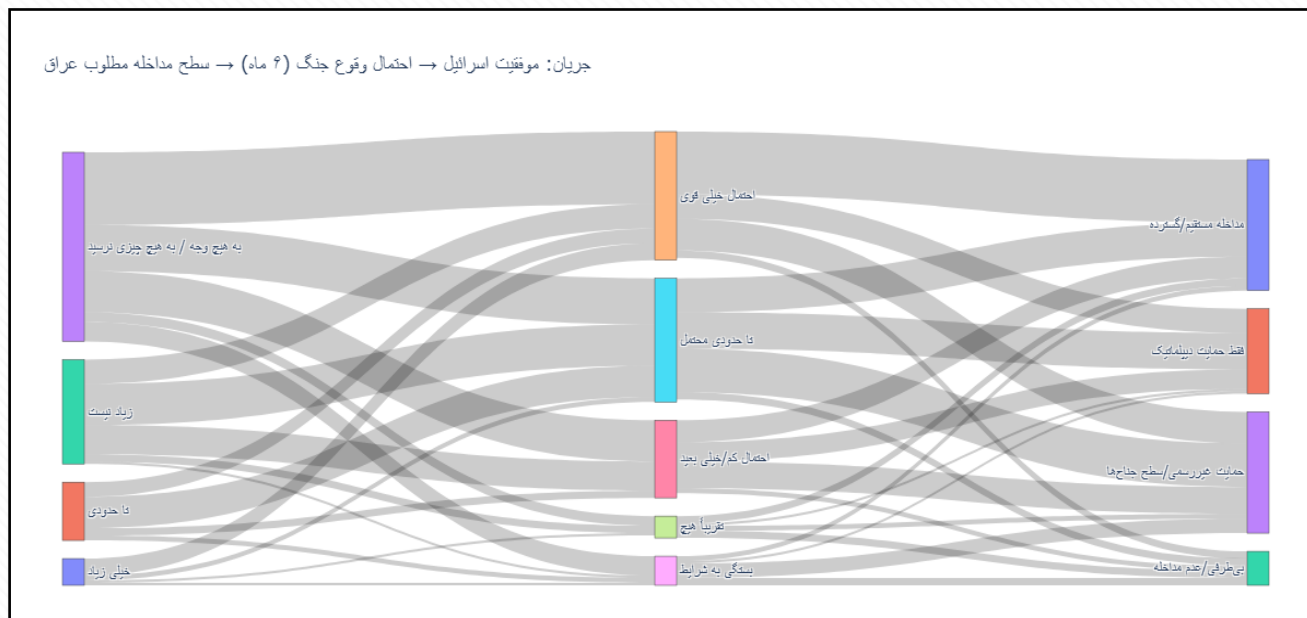


تصویر ۱۳: نمودار فراوانی پیش‌بینی جنگ

برداشت کلی جامعه، وقوع جنگ را در افق شش‌ماهه «محتمل» می‌داند. حدود دوسوم پاسخ‌ها در دو خانه‌ی «خیلی قوی» و «تا حدودی محتمل» جمع شده و تنها یک‌چهارم جنگ را کم‌احتمال یا تقریباً ناممکن می‌بیند؛ گروه کوچکی هم آن را وابسته به شرایط می‌دانند. تصور خطر بالا است و مردم انتظار دارند فضای بحران ادامه‌دار باشد. از منظر سیاستی، این سطح از احساس ریسک با گرایش عمومی به «مداخله فعال» هم‌خوان است و به دولت علامت می‌دهد که برای سناریوهای تشدید تنش باید برنامه آماده و در کنار آن یک مسیر دیپلماتیک همیشه روشن برای مدیریت هزینه‌ها حفظ شود.

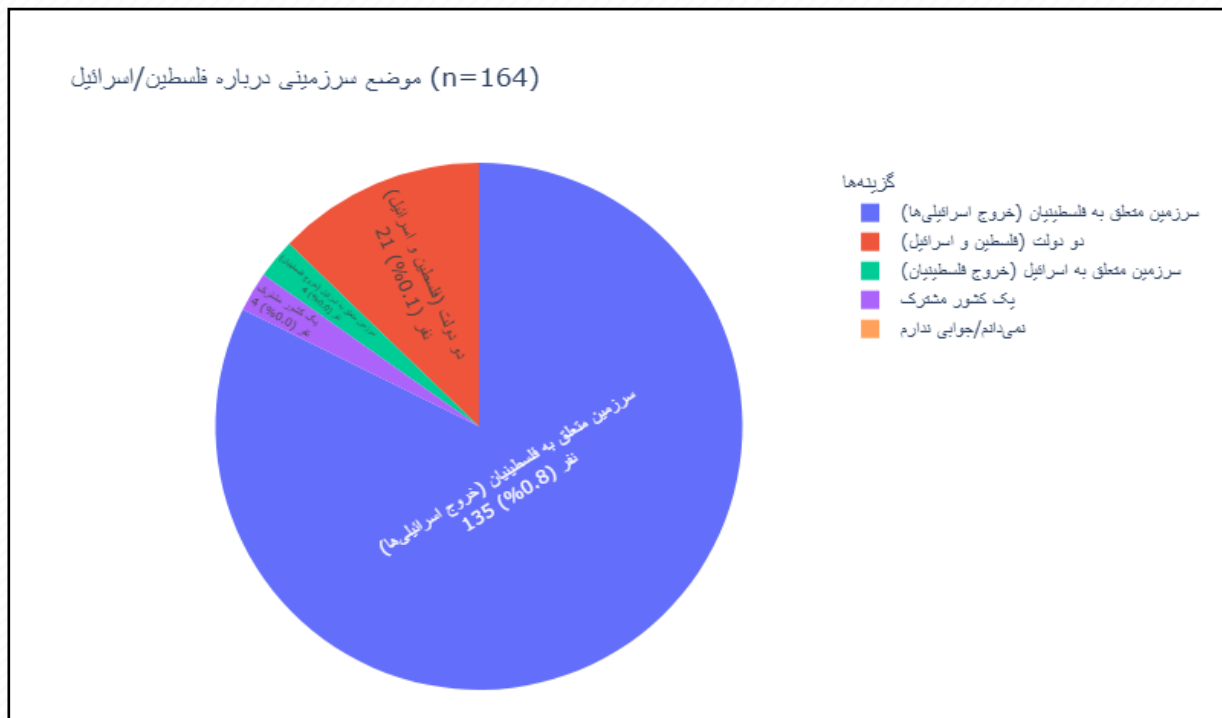
جریان پاسخ‌ها نشان می‌دهد صرف‌نظر از این‌که عملکرد اسرائیل چقدر موفق یا ناموفق ارزیابی می‌شود، اکثریت وقوع جنگ را محتمل می‌دانند؛ اما هرچه این احتمال در ذهن پاسخ‌دهنده بالاتر می‌رود، کفه‌ی «مداخله مستقیم» سنگین‌تر می‌شود و «حمایت غیررسمی» تقریباً در همه حالات پررنگ باقی می‌ماند. وقتی احتمال جنگ ناچیز فرض می‌شود، بی‌طرفی رشد می‌کند و مسیرهای کم‌هزینه‌تر مثل دیپلماسی جذاب‌تر می‌شوند.

سیاست واقع‌بینانه باید «نردبان پاسخ» داشته باشد از حمایت غیررسمی و ابزارهای فشار کم‌هزینه تا ظرفیت اقدام مستقیم و این نردبان بر اساس ادراک لحظه‌ای از ریسک بالا/پایین تنظیم شود؛ همزمان، وجود ریل دیپلماسی به‌عنوان خروج اضطراری معتبر، بخشی از ترجیح جامعه حتی در شرایط ریسک بالا را پوشش می‌دهد.



تصویر ۱۴: نمودار جریان پیش‌بینی جنگ

۴,۶ موضع درباره فلسطین



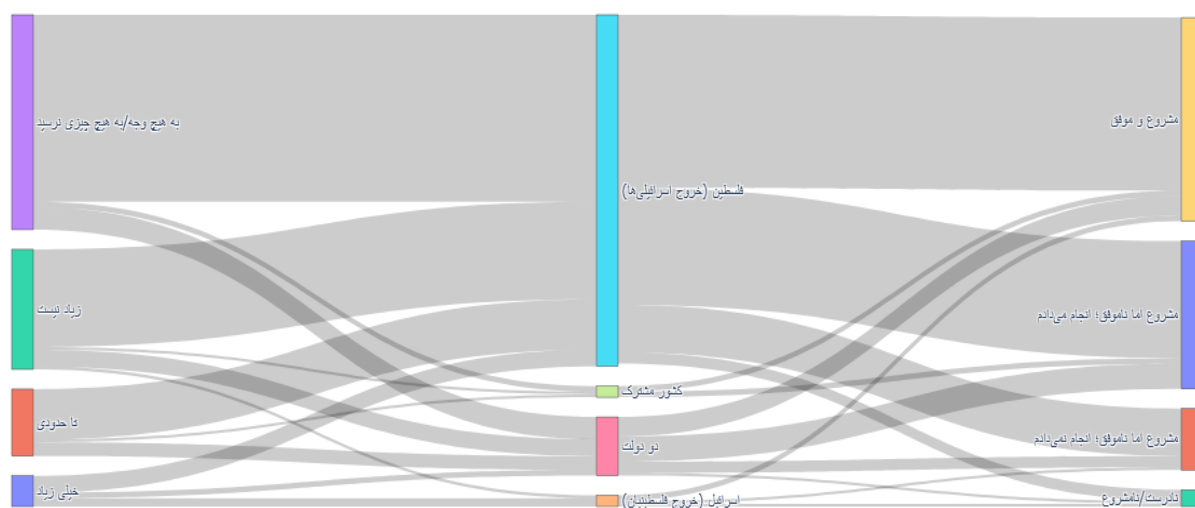
تصویر ۱۵: نمودار فراوانی موضع فلسطین

تصویر افکار عمومی کاملاً یک‌دست است. اکثریت قاطع، راه حل «حاکمیت کامل فلسطین» را ترجیح می‌دهند و سبد همزیستی (به‌ویژه «دو دولت») در اقلیت معنادار اما کوچک قرار می‌گیرد؛ گرایش حامی اسرائیل عملاً به حاشیه رانده شده و پاسخ‌های بی‌تصمیم هم تقریباً دیده نمی‌شود. این چینش با الگوی کلی پرسشنامه ارزیابی منفی از کارنامه‌ی اخیر اسرائیل و چشم‌انداز نزولی آن هم‌خوان است. پیام سیاسی روشن است: زبان عمومی و دیپلماسی عمومی اگر حول «حمایت از حقوق فلسطین، پایان دادن به اشغال و تمرکز بر پیامدهای انسانی» چارچوب‌بندی شود، با برداشت غالب جامعه هم‌صداست؛ در عین حال، برای حفظ کانال‌های بین‌المللی و کاهش هزینه‌ها، می‌توان گزینه‌ی «دو دولت» را به‌عنوان نقطه‌ی تماس حداقلی با بازیگران خارجی نگه داشت بی‌آن‌که به هسته‌ی حمایت از فلسطین لطمه بخورد.

جریان پاسخ‌ها نشان می‌دهد هر قدر ارزیابی از «موفقیت اسرائیل» منفی تر باشد، احتمال گرایش به موضع حداکثری حامی فلسطین بیشتر می‌شود و حتی در میان کسانی که برای اسرائیل دستاوردی قائل‌اند، ترجیح غالب همچنان به سود فلسطین است. این موضع سپس به ارزیابی ۷ اکتبر ترجمه می‌شود: در تمام سبدهای سرزمینی، «مشروعیت اقدام» دست بالا را دارد، اما میان حامیان موضع حامی فلسطین این پذیرش به اوج

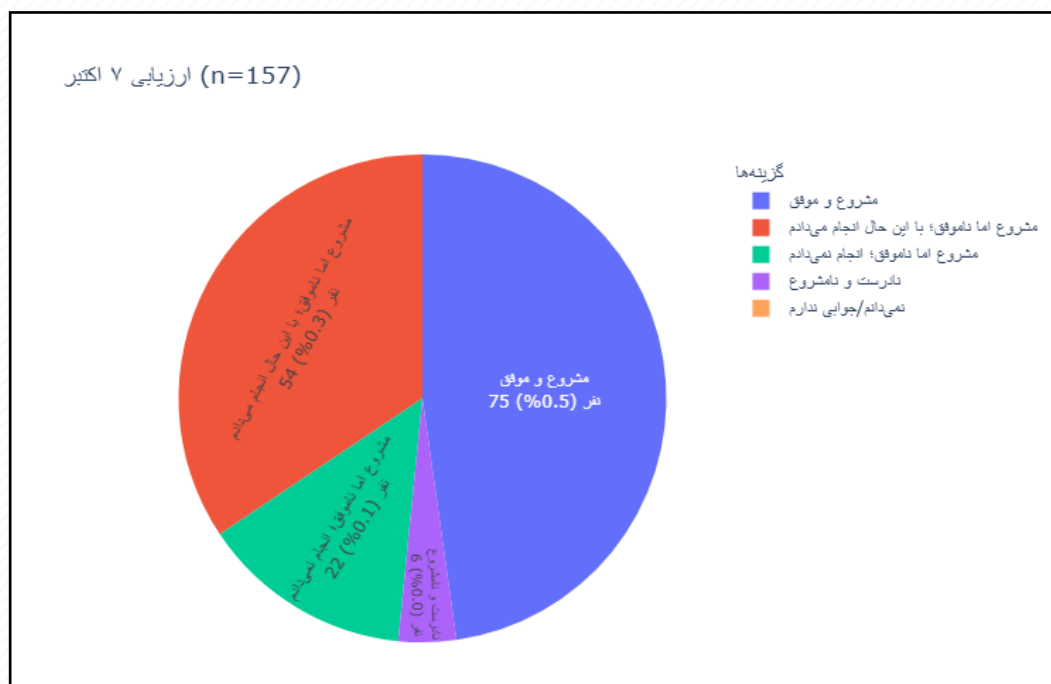
می‌رسد. تفسیر داده‌ها نشان می‌دهد افکار عمومی بیش از آن که پذیرای روایت‌های «موفقیت اسرائیل» باشد، با روایت «ناکامی/بازدارندگی در برابر اسرائیل» و «حقّ فلسطینیان» هم‌حس است. بنابراین سیاست ارتباطی مؤثر باید بر حمایت انسانی و حقوقی از فلسطین، مدیریت پیامدهای امنیتی و تفکیک دقیق میان حمایت سیاسی انسانی و هرگونه تصاعد ناخواسته تأکید کند؛ به‌ویژه که همین ترجیحات می‌تواند در غیاب چارچوب‌های مسئولانه، به سمت تأیید قالب‌های پرریسک‌تر سوق داده شود.

جریان: موفقیت اسرائیل → موضع سرزمینی → ارزیابی ۷ اکتبر



تصویر ۱۶ نمودار جریان موضع فلسطین

۴,۷ ارزیابی عملیات «۷ اکتبر»

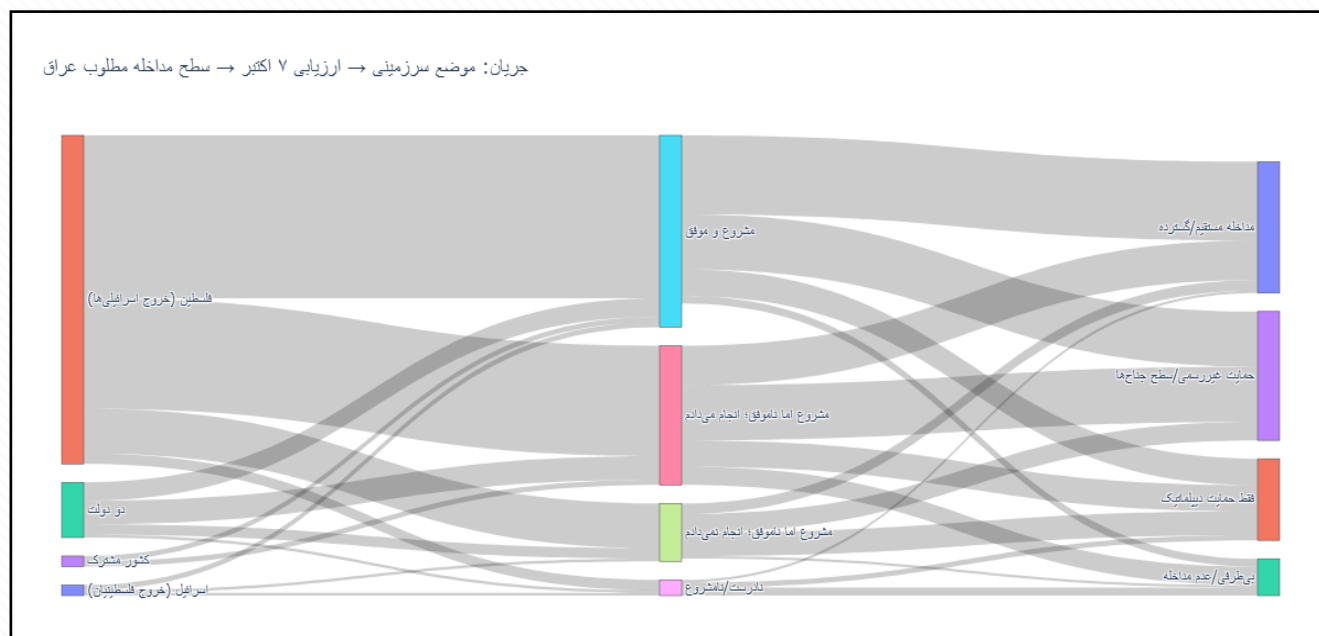


تصویر ۱۷: نمودار فراوانی ۷ اکتبر

«مشروعیت» ۷ اکتبر دیدگاه غالب است و اختلاف اصلی بر سر کارآمدی و تکرارپذیری کنش است، نه اصل درستی آن. بخش بزرگی از افراد حتی آنان که آن را ناموفق می‌دانند می‌گویند اگر در موضع تصمیم‌گیر بودند «باز هم انجام می‌دادند». معنای سیاستی این الگو آن است که داوری هنجاری در این جامعه وزن بیشتری از محاسبه‌ی صرف هزینه فایده پیدا کرده است؛ بنابراین زبان ارتباطی مؤثر، باید به‌جای مجادله درباره‌ی «نتیجه‌ی کوتاه‌مدت»، بر چارچوب‌های حقوقی انسانی و روایت‌های هویتی که پشتوانه‌ی این مشروعیت را می‌سازند تکیه کند و هم‌زمان مرزهای مسئولیت‌پذیری، تناسب و پرهیز از آسیب غیرنظامی را پررنگ نگه دارد.

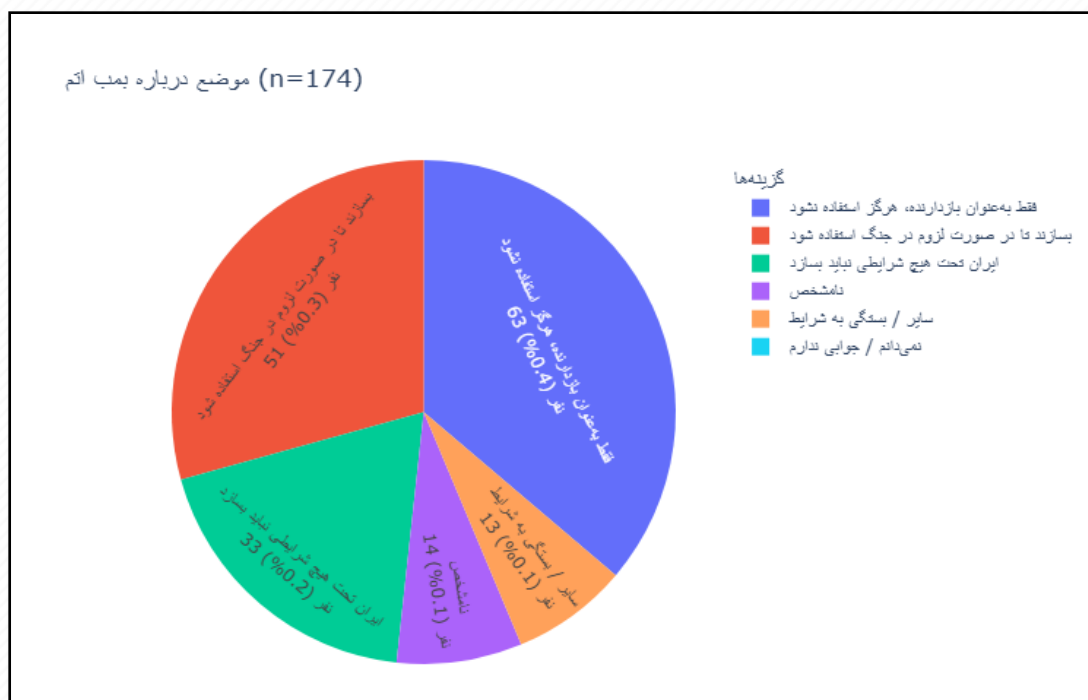
جریان‌ها نشان می‌دهد موضع سرزمینی حامی فلسطین به‌طور منسجم به پذیرش مشروعیت ۷ اکتبر می‌ریزد و همین برداشت، ترجیحات رفتاری را به سمت «مداخله‌ی فعال» سوق می‌دهد با ترکیبی از اقدام مستقیم و حمایت غیررسمی. در مقابل، هر جا موضع سرزمینی کمتر حداکثری است یا کنش نامشروع تلقی می‌شود، کفه‌ی دیپلماسی و بی‌طرفی سنگین‌تر می‌شود.

وقتی مشروعیت هنجاری به این گستردگی پذیرفته شده است، هرگونه طراحی سیاست باید «تردبان اقدام» داشته باشد از حمایت‌های شبکه‌ای و کم‌هزینه تا هزینه‌های سخت‌تر و هم‌زمان ریل تنش‌زدایی و کانال‌های دیپلماتیک را برای مهار پیامدها باز نگه دارد. به بیان عملی، تقویت ظرفیت‌های حمایتی و روایت‌سازی منسجم، همراه با خطوط قرمز روشن و سازوکارهای پاسخ‌گویی، می‌تواند هم با برداشت افکار عمومی هم‌سو باشد و هم خطر لغزش به سمت تصاعد ناخواسته را کنترل کند.



تصویر ۱۸: نمودار جریان ارزیابی ۷ اکتبر

۴,۸ موضع درباره بمب اتم

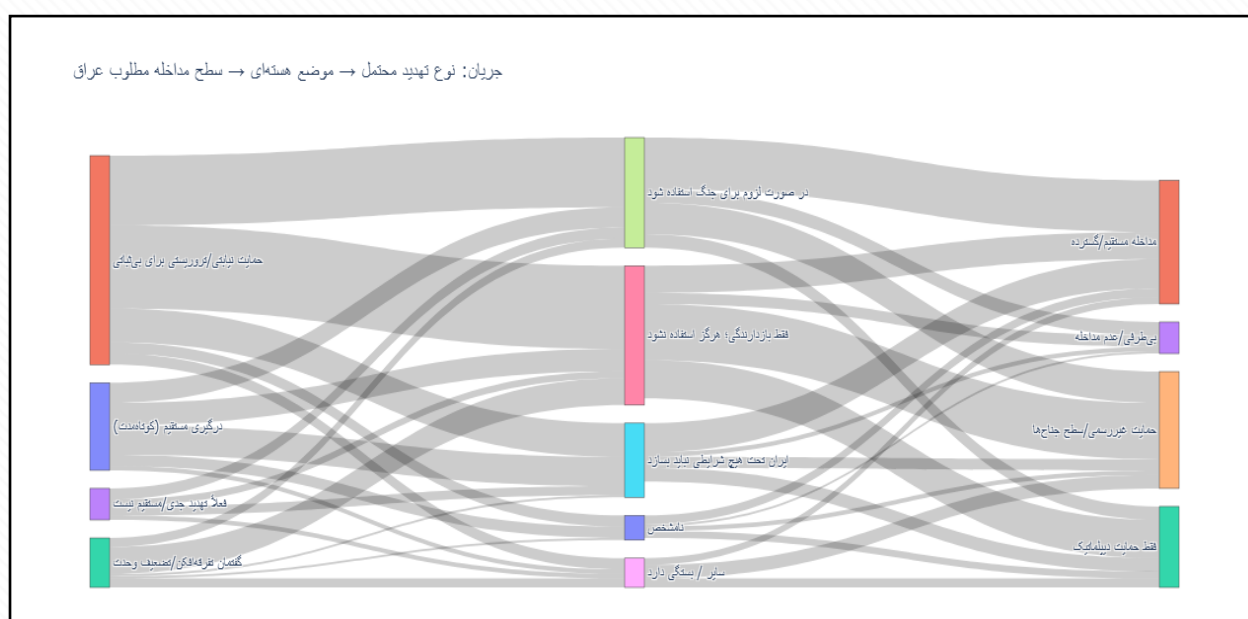


تصویر ۱۹: نمودار فراوانی بمب اتم

گرایش غالب به «تملک ظرفیت هسته‌ای» است، اما با تأکید بر کارکرد بازدارندگی. یعنی اکثر پاسخ‌دهندگان ساخت سلاح را برای پیشگیری از جنگ می‌پذیرند و گروهی کوچک‌تر پا را فراتر گذاشته و امکان استفاده در جنگ را هم قابل دفاع می‌دانند. مخالفان ساخت، در اقلیت‌اند و گزینه‌ی «نامطمئن» تقریباً دیده نمی‌شود؛ بنابراین داورها قاطع است. این برداشت، با الگوی کلی پرسشنامه هم‌خوان است: وقتی تهدید مسلط از سوی اسرائیل بیشتر نیابتی/ترکیبی فهم می‌شود و ترجیح رفتاری نیز عموماً «مداخله‌گرایانه» است، طبیعی است که ایده‌ی بازدارندگی هسته‌ای و حتی آمادگی برای استفاده (در نگاه بخشی از جامعه) مشروعیت ذهنی پیدا کند. پیام سیاستی ساده است: اگر هدف، تثبیت بازدارندگی و پرهیز از جنگ است، روایت رسمی و دیپلماسی عمومی باید بر «ماهیت دفاعی و بازدارنده»، «کنترل تصاعد» و «پایبندی به خطوط قرمز انسانی و حقوقی» تکیه کند تا هم با انتظارات افکار عمومی هم‌صدا باشد و هم هزینه‌های بین‌المللی مدیریت شود.

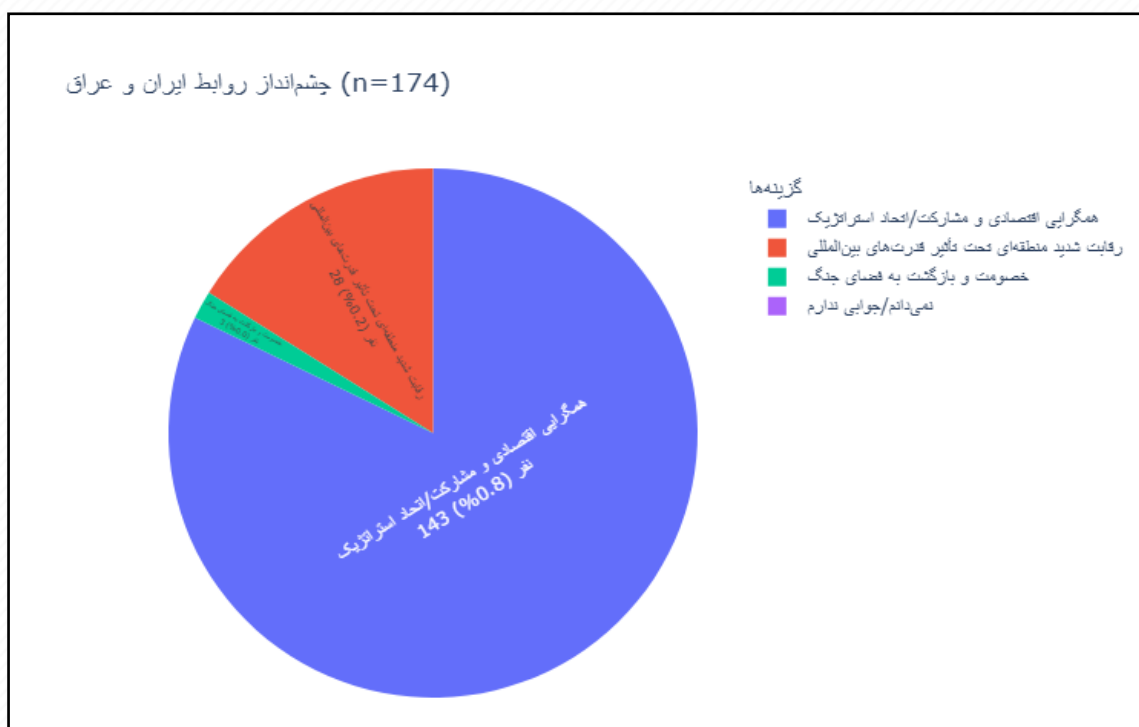
جریان پاسخ‌ها دو نکته‌ی کلیدی را نشان می‌دهد. نخست، نوع تهدید ادراک‌شده «جهت» ترجیح هسته‌ای را تعیین می‌کند: هرچه تهدید نیابتی/شناختی‌تر دیده شود، حمایت از داشتن ظرفیت بازدارنده پررنگ‌تر می‌شود؛ و هرچه تهدید مستقیم‌تر فهم شود، شکاف میان «نسخه‌ی بازدارنده» و «قابل استفاده» بالاتر

می‌رود و حتی بخشی به «عدم ساخت» متمایل می‌شود. دوم، موضع هسته‌ای به انتخاب ابزار مداخله ترجمه می‌شود: حامیان «قابلیت استفاده» بیشتر به مداخله‌ی مستقیم گرایش دارند؛ طرفداران «بازدارندگی صرف» ترجیح می‌دهند در سطح حمایت غیررسمی/اشکال کم‌هزینه‌تر و دیپلماسی بازی کنند؛ و حتی در میان مخالفان ساخت نیز تمایل به کنش فعال کاملاً محو نمی‌شود. برداشت اجرایی این است که سیاست‌گذار باید «نردبان پاسخ» متناسب با نوع تهدید داشته باشد: تثبیت بازدارندگی معتبر، ظرفیت اقدام سریع در سناریوهای مستقیم و در عین حال سبکی قوی از ابزارهای شبکه‌ای، اطلاعاتی و دیپلماتیک برای جنگ ترکیبی همه با سازوکارهای شفاف نظارت و کنترل تصاعد. این چینش، هم با برداشت جامعه تطابق دارد و هم ریسک خطای محاسباتی را پایین می‌آورد.



تصویر ۲۰: نمودار جریان بمب اتم

۴,۹ آینده‌ی روابط ایران و عراق



تصویر ۲۱: نمودار فراوانی روابط ایران و عراق

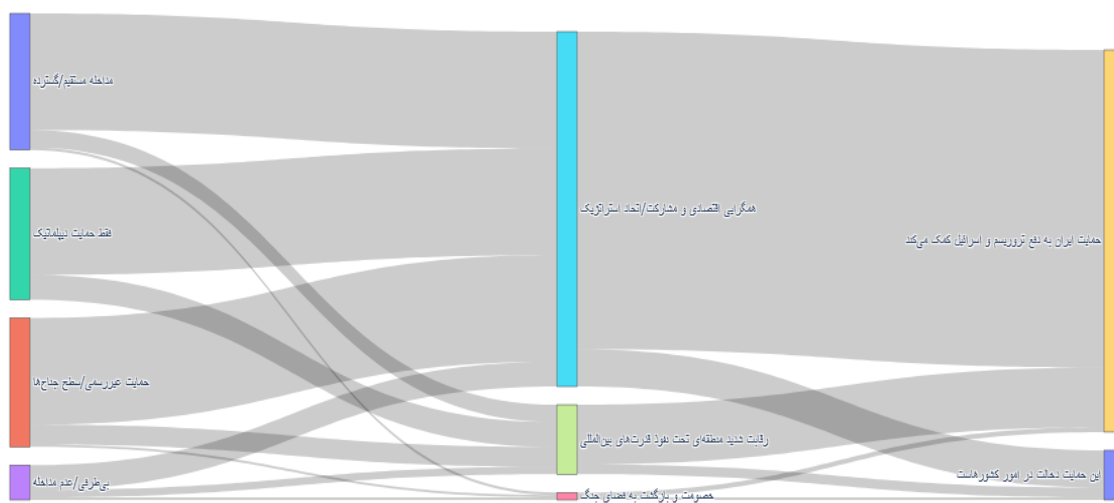
برداشت عمومی، آینده‌ی رابطه‌ی تهران بغداد را «همگرا» می‌بیند؛ یعنی انتظار پیوندهای اقتصادی عمیق‌تر، همکاری‌های زیرساختی و امنیت همکاری‌محور، و فاصله‌گذاری روشن از سناریوهای خصمانه. «رقابت زیر سایه‌ی قدرت‌های بزرگ» در اقلیت قابل توجه اما کوچک می‌ماند و «بازگشت به فضای جنگ» تقریباً حذف است. معنای سیاستی روشن است: در افکار عمومی، مسیر کم‌هزینه و باثبات، همان ادغام تدریجی اقتصادها و قفل کردن منافع متقابل است از انرژی و برق و گاز تا حمل‌ونقل، تجارت مرزی، تسهیل ویزا، هماهنگی گمرکی و زنجیره‌های تأمین مکمل. در کنار این، یک معماری امنیتی مشترک (گفت‌وگوی منظم مرزی، تیم‌های مشترک ضدتروریسم، سازوکار حل‌وفصل سریع رخدادها) با همین ذهنیت سازگار است و می‌تواند ریسک سوءتفاهم و نفوذ بازیگران مخرب را پایین بیاورد. وجود اقلیتی که رقابت را محتمل می‌داند یادآور این نکته است که سیاست همگرایی باید با «ریل‌های اطمینان‌بخش» پیش برود: شفافیت، احترام به حاکمیت، و مدیریت متوازن رابطه با قدرت‌های بیرونی.

الگوی جریان‌ها نشان می‌دهد «همگرایی» مستقل از سلیقه‌ی مداخله‌ای پاسخ‌دهندگان (از اقدام مستقیم تا صرفاً دیپلماسی) دست بالا را دارد و با دآوری مثبت نسبت به حمایت‌های منطقه‌ای ایران هم‌سوست.

حتی در شاخه‌هایی که آینده را «رقابتی» یا حتی «خصمانه» می‌بینند، اکثریت همچنان اثر آن حمایت‌ها را در جهت دفع تهدید تروریسم و مهار اسرائیل تعبیر می‌کنند.

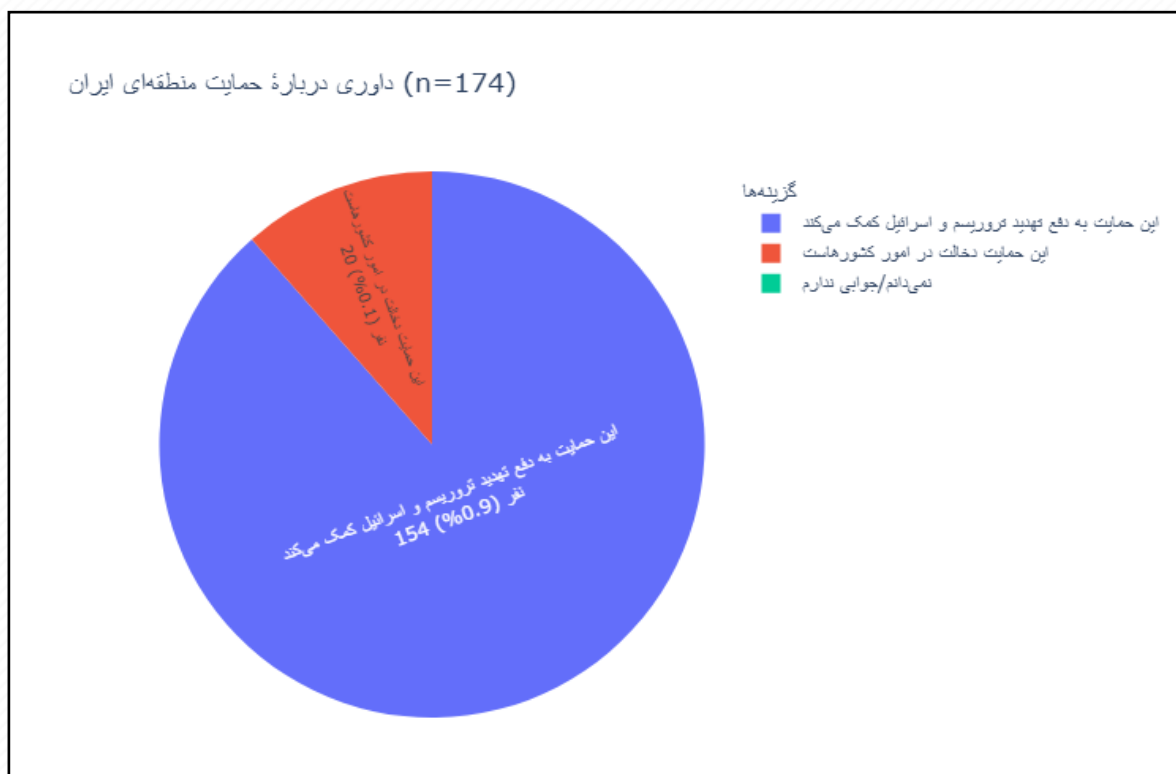
دولت می‌تواند با تکیه بر این پشتوانه‌ی اجتماعی، برنامه‌ی همگرایی را به‌صورت «سه‌گانه‌ی هماهنگ» پیش ببرد: (۱) تعمیق پیوندهای اقتصادی و زیرساختی، (۲) نهادینه‌سازی همکاری امنیتی مرزی و اطلاعاتی، (۳) دیپلماسی فعال برای مدیریت رقابت قدرت‌های بزرگ به‌نحوی که نگرانی اقلیت محتاط نیز با قواعد عدم‌مداخله، شفافیت و مکانیسم‌های پاسخ‌گویی جدی گرفته شود. این ترکیب، هزینه‌ی تنش را کاهش می‌دهد، منافع مشترک را قفل می‌کند و ظرفیت تاب‌آوری دو کشور را در برابر شوک‌های منطقه‌ای بالا می‌برد.

جریان: مداخله مطلوب عراق → چشم‌انداز روابط ایران-عراق → دآوری دربارہ حمایت منطقه‌ای ایران



تصویر ۲۲: نمودار جریان رابطه ایران و عراق

۴,۱۰ موضع درباره حمایت و سیاست‌های منطقه‌ای ایران

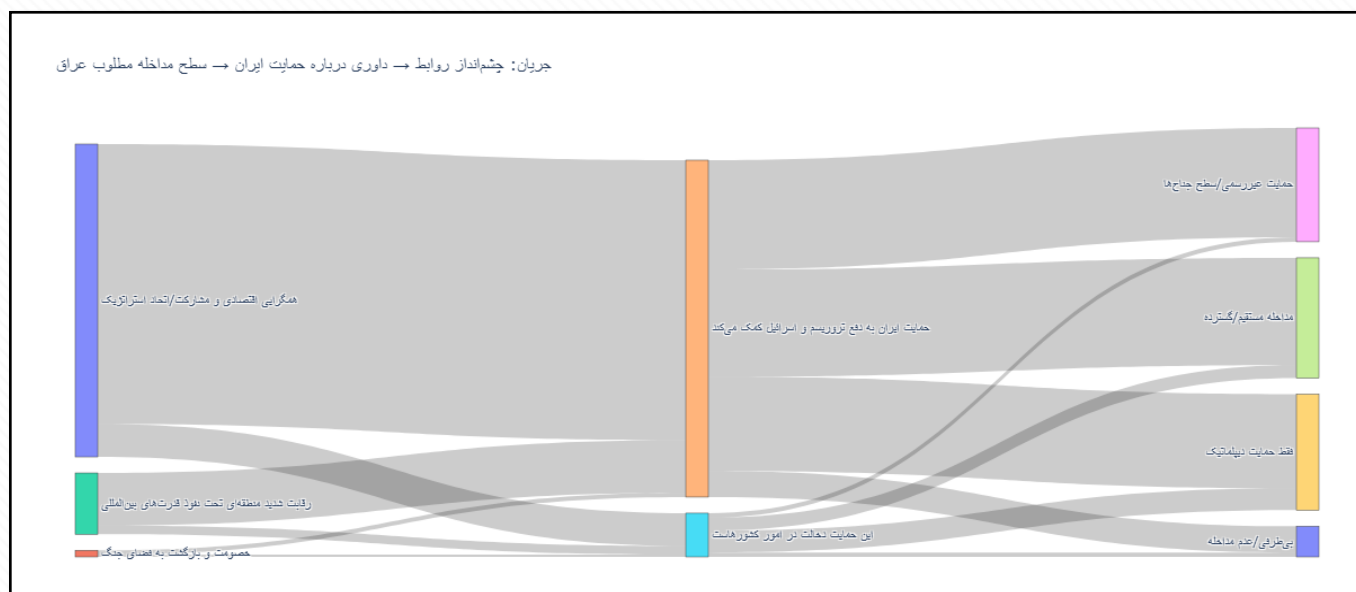


تصویر ۲۳: نمودار فراوانی سیاست‌های منطقه‌ای ایران

حمایت ایران از کشورهای مسلمان، در چشم اکثریت، کارکرد «دفع تهدید تروریسم و مهار اسرائیل» دارد نه «دخالت». این قضاوت با تصویری که از آینده‌ی روابط تهران بغداد شکل گرفته یعنی همگرایی و شراکت هم‌صداست و نشان می‌دهد روایت امنیت همکاری‌محور و پشتیبانی منطقه‌ای، پذیرش اجتماعی بالایی دارد. از منظر سیاستی، چنین زمینه‌ای اجازه می‌دهد زبان رسمی بر «بازدارندگی مؤثر، هم‌افزایی امنیتی و منافع مشترک» تکیه کند و هم‌زمان، با پرهیز از شعارزدگی، بر نتایج ملموس برای امنیت داخلی عراق و آرامش اجتماعی تأکید ورزد.

الگوی جریان‌ها یک خط پیوسته را نشان می‌دهد: هرچا آینده‌ی روابط «همگرا» دیده می‌شود، داوری درباره‌ی حمایت ایران نیز غالباً مثبت است؛ حتی در شاخه‌های «رقابت» یا «خصومت»، دست بالا با برداشت «کمک‌کننده» است. این قضاوت سپس به انتخاب ابزار می‌ریزد: موافقان «کمک‌کننده بودن» بیش از دیگران به کنش فعال گرایش دارند ترکیبی از مداخله‌ی مستقیم و حمایت غیررسمی در حالی که کسانی که آن را «دخالت» می‌بینند، بیشتر دیپلماسی و بی‌طرفی را ترجیح می‌دهند. معماری سیاست باید «چندمسیر»

باشد تعمیق همگرایی اقتصادی و امنیت همکاری محور به عنوان مسیر اصلی، شفافیت و احترام به حاکمیت برای کاستن از حساسیت «دخالت»، و نگه داشتن یک مسیر دیپلماتیک فعال برای مدیریت بحران. چنین چیدمانی هم با ترجیحات عمومی هم راستاست و هم مشروعیت و کارایی سیاست را در برابر نوسان‌های منطقه‌ای بالا می‌برد.



تصویر ۲۴: نمودار جریان سیاست‌های منطقه‌ای ایران

۵ جمع‌بندی

ادراک عراق از توسعه‌طلبی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی: جامعه شیعیان عراق ضمن باور نسبت به روند نزولی نفوذ منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه و کنشگری تل‌آویو در سطح منطقه، حساسیت فراوانی در قبال تهاجمات احتمالی رژیم اسرائیل به عراق دارد. حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی و دامن‌زدن به تنش‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی با بیش از ۵۵ درصد و کنش نظامی مستقیم علیه موجودیت‌های نظامی و امنیتی وابسته به حاکمیت عراق نظیر حشد الشعبی با حدود ۲۲ درصد مهم‌ترین سناریوهای احتمالی نسبت رویکرد رفتاری تل‌آویو در قبال عراق را از نگاه شهروندان این کشور تشکیل می‌دهند. این آمار مبین ادراک فزاینده شیعیان عراق از پیامدهای منفی توسعه‌طلبی رژیم اسرائیل بعد از عملیات طوفان‌الأقصی و احتمال تحت‌پذیری مستقیم بغداد از این منازعه به واسطه تهاجمات تل‌آویو به عراق و نقض حاکمیت هوایی این کشور است. از جانب دیگر، بیش از ۶۹ درصد از پاسخ‌دهندگان شیعه از احتمال آغاز دوباره منازعه میان تهران و تل‌آویو و تداوم بی‌ثباتی به رغم آتش‌بس غیررسمی اخیر سخن به میان می‌آورند که ثبات منطقه‌ای را در معرض آسیب قرار می‌دهد و چشم‌انداز ثبات در غرب آسیا را با چالش روبرو می‌سازد.

اجتناب از ورود به منازعات منطقه‌ای: جامعه عراق با تجربه دو دهه بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی داخلی، ورود به یک درگیری منطقه‌ای را زمینه‌ساز تضعیف ثبات کنونی می‌داند که پیامدهای آن معطوف به هدف قراردادن مراکز نظامی و امنیتی، اعمال تحریم‌های اقتصادی به منظور تغییر رفتار، تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی و در نهایت کاهش سرعت توسعه اقتصادی خواهد بود. به همین جهت، بیش از ۴۱ درصد از شیعیان عراق به رغم قربت‌های فرهنگی و دینی با ایران و یادآوری تجربه کمک‌های ایران در مبارزه با تروریسم تکفیری، بر ضرورت اتخاذ سیاست عدم دخالت در منازعات منطقه‌ای تأکید دارند که منبعث از تجربه انباشته جامعه عراق نسبت به پیامدهای جنگ منطقه‌ای است که این مهم با راهبرد سیاست خارجی دولت‌های مختلف عراق در دوران پس از دولت حیدر العبادی نسبت به بی‌طرفی و عدم الحاق به اتحاد منطقه‌ای همخوانی دارد. با این حال، بسیج اجتماعی شیعیان عراق در مقابله با تهدیدات امنیتی داخلی نظیر احیای تروریسم تکفیری با تکیه بر آموزه‌های دینی چندان دور از انتظار نخواهد بود. دیدگاه اجتماعی مذکور با رویکرد دولت عراق و اکثریت نخبگان عراقی اشتراکات فراوانی دارد به گونه‌ای که دولت سودانی به رغم اعلان محکومیت حملات اسرائیل علیه ایران، درصدد پرهیز از ورود به جنگ و جلوگیری از شکل‌گیری یک جنگ منطقه‌ای بود. نکته حائز اهمیت آن است که به رغم اعلان حمایت دیپلماتیک دولت

عراق از ایران در جریان جنگ دوازده روزه و ابراز نگرانی جریانات سیاسی شیعه نسبت به پیامدهای منفی جنگ منطقه‌ای، جریانات سیاسی اهل سنت و کرد عراق در میان دوگانه «سکوت» یا «عدم محکومیت صریح» دست به انتخاب زدند.

عدم دستیابی رژیم صهیونیستی به اهداف در غزه: ادراک جامعه عراق بر «عدم دستیابی تل‌آویو به اهداف اعلامی» استوار است که بر بنیان نابودی حماس و اشغال غزه استوار بود و مبین ضعف دولت نتانیاهو در تحقق اهداف از پیش تعیین شده است. بر این اساس، نزدیک به ۴۱ درصد پاسخگویان از عدم تحقق هیچ یک از اهداف اعلامی سخن به میان می‌آورند که با انگاره مستولی بر افکار عمومی کشورهای عرب‌زبان مسلمان نسبت به موقعیت کنونی رژیم اسرائیل در جنگ با حماس قرابت نسبی دارد. این مهم از ظرفیت اجماع‌سازی و تقویت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در سطح کشورهای عرب‌زبان سنی‌مذهب با تکیه بر مسئله «فلسطین» حکایت دارد.

جامعه عراق و نظم بین‌الملل: به رغم نفوذ فزاینده آمریکا در ساختار امنیتی-سیاسی-اقتصادی عراق در دوران پس از اشغال، جامعه این کشور متأثر از تجربه تاریخی از یکسو و پشتیبانی بدون قید و شرط واشنگتن از جاه‌طلبی منطقه‌ای تل‌آویو از سوی دیگر، به تغییر موازنه قدرت در نظام بین‌الملل مبتنی بر کاهش قدرت نسبی آمریکا و ارتقای جایگاه قدرت‌های غیرغربی نظیر چین در معادلات نظام بین‌الملل دلالت دارد. ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران و افزایش قدرت عراق در قیاس با رقبای منطقه‌ای از دیگر انگاره‌های مطرح در اذهان شیعیان عراق به شمار می‌آید.

به رغم ضعف دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و عدم تبیین مبانی راهبرد سیاست خارجی و امنیت ملی ایران در سطح منطقه و نظام بین‌الملل برای شیعیان کشورهای منطقه، اکثریت شیعیان عراق دارای رویکرد ایجابی نسبت به سیاست منطقه‌ای هستند و نه تنها آن را مخرب تلقی نمی‌کنند بلکه متعاقب عملیات‌های سه‌گانه وعده صادق، رویکرد حمایتی آن‌ها نسبت به کیفیت کنشگری تهران افزایش نسبی را تجربه نموده است. در این شرایط، بهره‌گیری مطلوب از این پشتیبانی اجتماعی در سطح شیعیان منطقه مستلزم اتخاذ تدابیر هوشمندانه، شناخت واقع‌بینانه رویکردهای سیاسی و اجتماعی حاکم بر اذهان شیعیان عراق و در نهایت، فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی دیپلماسی عمومی با محوریت رایزنی فرهنگی کشور در بغداد است.

اندیشکده
حکمرانی
شریف

